مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

فریاد دیانت

زندگی‌نامه شهید هاشمی‌نژاد

مریم السادات باقری شبستری

بسم الله الرحمن الرحيم

فریاد دیانت : زندگی نامه شهید هاشمی نژاد

نویسنده:

مریم السادات باقری شبستری

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فریاد دیانت : زندگی نامه شهید هاشمی نژاد

مشخصات کتاب

سرشناسه : باقری شبستری، مریم السادات.

عنوان و نام پدیدآور : فریاد دیانت : زندگی نامه شهید هاشمی نژاد/مریم السادات باقری شبستری.

مشخصات نشر : قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری : [۶۵] ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۶۳۸.

شابک : ۴۰۰۰ ریال:۹۶۴-۷۸۰۸-۵۴-۲

یادداشت : کتابنامه: ص. ۶۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : زندگی نامه شهید هاشمی نژاد.

موضوع : هاشمی نژاد، عبدالکریم، ۱۳۱۱ - ۱۳۶۰ -- سرگذشتنامه.

موضوع : مجتهدان و علما -- سرگذشتنامه.

موضوع : روحانیت -- ایران -- فعالیت سیاسی.

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی.

رده بندی کنگره : BP۵۵/۳/□۲ب۲ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۲۸۰۳۴

ص:۱

اشاره

فهرست مطالب

دیباچه

دیباچه

تاریخ روحـانیت شیعه هماره شاهـد نورافشانی هـدایت گرانی بوده است که آسایش و آرامش خویش را وقف احیای مکتب سرخ علوی ساخته اند تا بوی گل محمدی در سراسر میهن اسلامی، مشام جان نیک سیرتان را عطرآگین سازد.

شهیـد سیـد عبـدالکریم هاشـمی نژاد در شـمار کسـانی است که بـا پیروی از امـام خمینی رحمه الله در شب دیجور فرمـانروایی طاغوت، فریاد دیانت برآورد. وی سکوت شب را شکست و گلواژه های آزادی و ایمان را به ملت ارزانی داشت. اهریمنان که تاب شنیدن ندای حق آفرین سید را نداشتند، کوشیدند تا فریاد او را در حصار بلند زندان، خاموش سازند، ولی موفق نشدند.

او فرزانه ای بود که بنا بر شـرایط زمان و مکان، بهترین ابزار را برای رسـیدن به اهـداف مقـدس خودش به خـدمت می گرفت. مناظره های او با کـج اندیشان، از قدرت بیان و قوت اسـتدلالش حکایت دارد و مبارزه وی با اندیشه های التقاطی و لیبرالیستی نشان دهنده تیزبینی ایشان است.

هاشـمی نژاد در سـنگر تـدریس و نویسـندگی نیز از دیگران گـوی سـبقت ربوده بود و برای مخاطبـانش که بیش تر جوانـان و تحصـیل کردگـان بودنـد، پیـامی نو و شـیوا داشت. او به جوانـان عشق می ورزیـد و بیـداری آنـان را نخستین گام برای پیشبرد اهداف انقلاب می دانست. دشمن که از نفوذ

روحانیت بیداردل در میان جوانان بیم داشت، گسترش چنین رابطه صمیمانه و آگاهی بخشی را برنمی تابید و با هر ترفندی می کوشید این پیوند را از هم بگسلد.

در این راه، منافقان کوردل که هم چون اربابانشان، تاب دیدن خورشید را نداشتند، با هدف قرار دادن این تندیس دیانت، چهره کریه خویش را به نمایش گذاردند.

در این میان، پژوهش گر ارجمند سرکار خانم مریم السادات باقری شبستری، مجموعه حاضر را با هدف تبیین زوایای گوناگون زندگانی این شهید و بازگویی مبارزه های وی در راه شکوفایی اسلام ناب، به نگارش درآورده است. با سپاس از ایشان، امید است در نگاه برنامه سازان و برنامه ریزان ارجمند، پذیرفته آید.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

چگونه بودن، الگو می خواهـد و تربیت با ارایه الگو، موفقیت آمیزتر خواهد بود. کتاب تاریخ، مردان بزرگی را به ما نشان می دهد که در راه نجات انسان ها از گرداب فساد و گمراهی، از هیچ کوششـی فروگذار نکرده و زندگی خویش را وقف هدایت بشـریت ساخته انـد. پیامبران الهی، قافله سالاران این گروهند و عالمان دین نیز ادامه دهندگان راه پیامبران هسـتند. آنان در راه هـدایتگری و نبرد با نادانی، فساد و بی دینی گام نهادنـد و راه پر پیـچ وخم تاریـخ را در برابر ظلمت زدگان روشن ساختند. به راستی، آنان مصداق روشن وارثان پیامبران و مرزبانان آیینند.

بی شـک، در عصـر حاضـر که زمـانه دوری از معنویـات و برهنگی فرهنگی است، معرفی چهره های درخشان آسـمان معرفت برای همگـان پنـدآموز خواهـد بود و این مهم به ویژه برای نسـل جوان، نیـازی انسـانی و بنیـادین به شـمار می رود. آشـنایی با زنـدگی این سـتاره هـای فروزان، آسـمان ذهن مشـتاقان فضـیلت را نورباران می سازد و ایمان به اصالت آیین اسـلام و توانایی هایی روحی انسان را افزون می کند.

ما در این دفتر برآنیم تا به ترسیم گوشه هایی از زندگی درخشان یکی از این مردان بزرگ؛ یعنی سید عبدالکریم هاشمی نژاد بپردازیم و اندکی از بیداری، آگاهی، تعهد و احساس مسئولیت این سرباز اسلام را بازگو کنیم. همراهی با

روح بلندپرواز شهید هاشمی نژاد، روح تلاش و دانش را در انسان ها می دمد، جنبه های گوناگون وجود شگفت انگیز «انسان» را می نمایاند و قلّه های تکامل را فرا راه انسان قرار می دهد.

در این نوشتار، نخست با شناسنامه شهید آشنا می شویم. سپس تحصیلات و مدارج علمی او را بررسی می کنیم. در ادامه، با نگاشته ها، ویژگی های اخلاقی و مبارزات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی او آشنا می شویم. در پایان نیز با برنامه سازان ارجمند همراه خواهیم شد. اعتراف می کنیم که این کار ما در برابر عظمت روحی و شخصیتی آن شهید بزرگوار بسیار ناچیز است، ولی با این همه، گامی است برای پاسداشت چهره های متعهد انقلاب اسلامی.

بخش اول: سیمای شهید هاشمی نژاد

اشاره

بخش اول: سیمای شهید هاشمی نژاد

زیر فصل ها

فصل اول: آغاز راه

اشاره

فصل اول: آغاز راه

زیر فصل ها

تولد

تولد

تولد

در سال ۱۳۱۱(۱) خورشیدی در خانواده ای دین مدار و محروم در شهرستان بهشهر از توابع استان مازندران، کودکی چشم به جهان گشود که نامش را عبدالکریم نهادند. پدرش، سید حسن، مردی با ایمان و غیرتمند بود و در شرایط بد اقتصادی آن روز، با درآمد بسیار کمی که از تلاش در یک مغازه نفت فروشی به دست می آورد، زندگی خود و خانواده اش را تأمین می کرد. مادرش ساره نام داشت که با پاک دامنی و دل سوزی به پرورش فرزندش همّت گمارده بود.

نوزاد از خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بود و پدر و مادرش دوست داشتند فرزندشان با عشق به اهل بیت تربیت شود. آنان رسیدن فرزند صالح خویش به مراتب معنویت و کمال را انتظار می کشیدند و می خواستند از عطر گلی که در بوستان پیامبر پرورش می یابد، فضای زندگی مسلمانان عطرآگین شود.

سید عبدالکریم در دوران کودکی، با تربیت شایسته و در پرتو ایمان و

۱- یاران امام به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ج ۵، ص ۷.

صفای باطن پـدر و مادر، خـدا را شـناخت و گرایش به دین داری، عشق به اولیاء اللّه در دل و جانش شـکوفا شد. وی از همان دوران کودکی، تیزهوش بود و هر کسـی رفتار او را می دیـد، آینده درخشانش را پیش بینی می کرد. تا زمانی که نزد خانواده اش بود، درس می خواند و در ساعت های غیردرسـی، به مغازه پدر می رفت و به کمک او می شـتافت. او از همان کودکی با فقر و سختی دست و پنجه نرم می کرد.

فصل دوم: زندگی علمی

اشاره

فصل دوم: زندگی علمی

زیر فصل ها

ورود به حوزه علمیه آیت اللّه کوهستانی

هجرت به حوزه علمیه قم

هجرت به مشهد

ورود به حوزه علمیه آیت اللّه کوهستانی

ورود به حوزه علمیه آیت اللّه کوهستانی

علاقه فراوان پدر و مادر به خاندان رسالت و روحانیت اصیل، سبب شد تا تحصیل در رشته علوم دینی را به فرزند خویش، پیشنهاد دهند. سید عبدالکریم این پیشنهاد را پذیرفت و به علوم دینی روی آورد. وی پس از آموختن دانش روز، در چهارده سالگی با اجازه پدر برای فراگیری علوم دینی به سوی روستای کوهستان در شش کیلومتری شهرستان بهشهر رهسپار شد. او با همتی بلند در این راه گام برداشت و حوزه علمیه کوهستان با آغوش باز پذیرای این نوجوان با اخلاص شد. تشنگی معنوی و عشق به کمال، سراسر وجود سیّد را فرا گرفته بود. او می خواست از کوثر زلال دانش و معنویت علوم اهل بیت علیهم السلام سیراب گردد تا بتواند از این راه، خود و دیگران را به سر منزل مقصود رهنمون باشد.

سید در کوهستان، با آیت اللّه کوهستانی آشنا شد. این مرد بزرگ، مظهر علم، معنویت و اخلاص بود و به تعلیم و تربیت طلبه های جوان می پرداخت. البته چهره ایشان با وجود همه کمال های روحی و علمی، به دلیل فروتنی و ساده زیستی ایشان، ناشناخته مانده بود. سیّد عبدالکریم که از نزدیک با او ارتباط داشت، به زودی توانست از رفتارهای خالصانه و عارفانه استاد، ره توشه برگیرد و درس آزادگی و ایمان بیاموزد. در مورد چگونگی پا گرفتن

حوزه علمیه کوهستانی بایـد گفت بـازگشت آیت اللّه کوهسـتانی از نجف به بهشـهر با دوره تلاش های رضاخان برای از بین بردن حوزه های علمیه و روحانیان هم زمان شده بود. در این زمان، وی تصـمیم گرفت در روسـتای کوهستان، حوزه علمیه ای بنیـان نهـد و طلبه هـای جوان را بـا رشـد اخلاقی و تزکیه نفس تربیت کنـد تا با اراده ای محکم در مسـیر گسترش اسـلام ناب محمـدی صـلی الله علیـه و آلـه وسـلم گـام بردارنـد. گفتنی است نزدیـک به دویست طلبه در این حـوزه علمی، مشـغول دانش اندوزی و پیمودن قلّه های معنویت بودند و روح تشنه خویش را از زمزم کمال آیت اللّه کوهستانی سیراب می کردند.

سید عبدالکریم نیز که به این حوزه علمی و تهذیبی پای نهاده بود، هم چون دیگران سر تا پا در دریای بی کران معنویّت استاد غرق گشته بود و هر روز بیش تر شیفته کمالات او می شد.(۱) وی با کوشش فراوان به اندوختن سیره های معنوی از آیت اللّه کوهستانی پرداخت و سرانجام در مدت چهار سال، درس های مقدماتی حوزه و مقداری از دروس فقه و اصول را نزد ایشان به پایان رسانید. آیت اللّه کوهستانی بارها درباره ویژگی های اخلاقی و آینده سیدعبدالکریم می فرمود: «من در چهره او می بینم که در آینده ای نه چندان دور از شخصیت های بزرگ علمی کشور خواهد شد(۲)...

آقا سید عبدالکریم جوان در حالی که مراحل اولیه دروس حوزه را در

۱- مرتضی بذرافشان، فریاد فضیلت، ص ۲۸، برگرفته از: سید حسن ابطحی، پرواز روح، ص ۱۷۲.

۲- سیداحمد هاشمی نژاد، فریادگر شهر شهادت، ص ۵۰.

روستای کوهستان می گذراند، نماز شبش ترک نمی شد».(۱)

هجرت به حوزه علمیه قم

هجرت به حوزه علمیه قم

شوق هجرت به حوزه علمیه قم هم چون کوثری گوارا، تشنگان فراوانی را به سوی خود می کشید. علاقه سید عبدالکریم نیز برای هجرت به حوزه علمیه قم روزافزون می شد. بنابراین، با گرفتن اجازه از استاد و پدر، به سوی حوزه علمیه قم رهسپار شد(۲) و در آن جا در رشته فقه و اصول به ادامه تحصیل پرداخت.

وی در قم، نخست با شیخ علی کاشانی ــ فرید الاسلام ــ آشنا شد که او را آیت اللّه کوهستانی معرفی کرده بود. طلبه ها، شیخ علی را آینه عرفان و تقوا می دانستند و شهید هاشمی نژاد نیز او را به عنوان استاد اخلاق خود برگزید. سید تمام فضایل اخلاقی و معنوی خویش را پس از آیت اللّه کوهستانی، مدیون شیخ علی می دانست. شیخ علی از وارستگان روزگار به شمار می رفت و سید عبدالکریم مدت ها با ایشان هم حجره بود. وی چنان شیفته حالات عرفانی شیخ علی شد و از فضایل اخلاقی و معنوی اش بهره ها برد که او را «یار غار شیخ علی» لقب دادند. یکی از مراجع درباره شیخ علی گفته بود: «او دریای پر از مروارید است؛ آن چه می خواهید از محضرش بیاموزید.»(۳) شیخ

۱- سیداحمد هاشمی نژاد، فریادگر شهر شهادت، ص ۵۰.

۲- سال ورود ایشان به قم مشخص نیست.

۳- فریاد فضیلت، ص ۳۳.

علی در ۲۴ سالگی هنگامی که برای امر تبلیغ به یکی از روستاهای رودسر رفته بود، پس از نماز مغرب و عشا پیشانی خضوع بر خاک گذاشت و به دیدار حق نایل گشت.

با در گذشت شیخ علی، سیّد اندوهگین شد، ولی با اراده ای استوار در راه هدف مقدسی که داشت، به آموختن علم و معنویت ادامه داد. او در حجره ای در مدرسه حجتیه قم ساکن شد و با پشتکار تمام، دروس سطح را پشت سر گذاشت. سپس دروس خارج اصول فقه حضرت امام خمینی و خارج فقه آیت اللّه العظمی بروجردی رحمه الله را آغاز کرد. سیّد پس از آشنایی با امام خمینی رحمه الله ، به دریای بی کرانی راه یافته بود که گوهرهای ناب داشت. چیزی نگذشت که عبدالکریم جوان، شیفته عرفان، علم و سیره استاد خود گشت.(۱)

گفتنی است وی در قم، از محضر استادان دیگری هم چون: شهید محراب آیت اللّه صدوقی ، آیت اللّه مجاهدی و آیت اللّه محقق داماد نیز بهره مند شده است.(۲)

تیز هوشی و مقام فضل و تقوای شهید از همان آغاز تحصیل علوم دینی تا پایان زندگی پر بارش کاملاً مشخص بود. به همین دلیل، دوستان، استادان و آشنایان، علاقه ویژه ای به وی داشتند و همگی زندگی درخشانی را برایش پیش بینی می کردند. هوش، فراست، تقوا و فضیلت ایشان سبب گشته بود تا مسیر تکامل را با سرعت بپیماید و آثار ارزشمند قلمی را به جامعه عرضه دارد.

۱- فریاد فضیلت، ص ۳۷.

۲- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ۹.

هجرت به مشهد

هجرت به مشهد

سید عبدالکریم در سال های ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶(۱) به مشهد رفت و در آن جا با هم شیره آقای سید حسن ابطحی ازدواج کرد. ایشان مراسم عقد خود را در جوار حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام و با حضور آیت اللّه میلانی برگزار کرده بود. البته در این زمان هم چنان به علم آموزی در قم ادامه می داد. سپس در سال های ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱، قم را ترک کرد و در مشهد ساکن شد.

در دوران سکونت در مشهد، همواره با تلاشی خستگی ناپذیر به ارشاد و راهنمایی دیگران می پرداخت و مانند کوهی استوار در برابر همه سختی ها ایستادگی می کرد تا توانست خط سیاسی اسلام را که در حوزه مشهد به فراموشی سپرده شده بود، زنده کند. وی هم چنین در کنار تدریس فقه و اصول برای طلبه ها و به راه انداختن منبرهای تبلیغی، در درس آیت اللّه سید محمّد هادی میلانی شرکت می کرد. چند ماهی نیز در محضر آیت اللّه شیخ مجتبی قزوینی علم آموخت.

سرانجام سید عبدالکریم با استعداد درخشان، حافظه قوی و تلاش پی گیر خود، بحث های استدلالی علمی را پی گرفت؛ و در نهایت به درجه استنباط و اجتهاد علمی رسید. وی با کوشش فراوان به مقام اجتهاد رسیده بود، ولی همواره آن را در پس پرده اخلاص نگاه می داشت. او با همه کمال علمی و معنوی اش، خود را طلبه ای بیش نمی دانست و بدان افتخار می کرد.

۱- فریاد فضیلت، ص ۳۹.

دیری نپایید که خبر درگذشت بزرگ مرجع تشیع آیت اللّه العظمی بروجردی رحمه الله ، جهان اسلام را در هاله ای از غم و اندوه فرو برد. درگذشت آن شخصیت بزرگ، برای حوزه های علمیه ضایعه ای جبران ناپذیر بود. البته پس از ایشان، امام خمینی رحمه الله هم چون خورشیدی تابان، سُکان کشتی مرجعیّت شیعه را به دست گرفت؛ بزرگ مردی که جز به اسلام و زنده شدن روح اسلامی مسلمانان، نابودی حاکمان ستم پیشه و احیای اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم نمی اندیشید. شهید هاشمی نژاد نیز با شناخت کامل از استادش ـ حضرت امام خمینی رحمه الله ـ ایشان را به عنوان مرجع اعلم معرفی می کرد و ظهور مرجعی با بینش سیاسی و درد آشنا را نوید بخش آزادی مسلمانان می دانست.(۱)

۱- فریاد فضیلت، ص ۵۰.

فصل سوم: آثار و نگاشته ها

اشاره

فصل سوم: آثار و نگاشته ها

تلاش خستگی ناپذیر از ویژگی های برجسته عالمان روشن بین است. سید عبدالکریم نیز برای حفظ جوانان مسلمان از کج روی ها، تلاش شبانه روزی را سرلوحه برنامه های خود قرار داد. شهید هاشمی نژاد در دورانی به این کار همت گماشت که توطئه های زیادی برای سست کردن ایمان دینی جوانان و ویران کردن فرهنگ اسلام صورت می گرفت. او به اهمیّت سلاح «قلم» که قرآن به آن سوگند یاد کرده است، پی برده بود و می خواست این سلاح در دست دل سوختگان دین قرارگیرد. از این رو، به نگارش کتاب هایی در زمینه های گوناگون پرداخت. از میان آثار ارزنده و جاویدی که از آن شهید به جا مانده است، به موارد زیر می توان اشاره کرد:

۱. مناظره دکتر وپیر

۱. مناظره دکتر وپیر

نخستین اثری که ذوق ادبی و دانش سرشار شهید هاشمی نژاد را در زمینه های مذهبی، اجتماعی و سیاسی نشان می دهد، کتاب مناظره دکتر وپیر است. این کتاب پیش از سال ۱۳۴۰ نوشته شده و بارها بازنگری، اصلاح و تکمیل گردیده است.

کتاب یاد شده در آن دوران با توجه و استقبال فراوان جوانان و تحصیل کردگان روبه رو بود، به گونه ای که رژیم طاغوت چون برخی از مطالب کتاب

را بـا سـیاست های خود سازگار نمی دیـد، آن را سانسور و پس از چنـدی، به طور کلی از چاپ آن جلوگیری کرد. رژیم شاه مطالب این کتاب را گمراه کننـده، تحریک آمیز و مخالف مصالـح کشور می دانست. گفتنی است کتاب مناظره دکتر وپیر که نخستین اثر قلمی سـید به شمار می رود، با شیوه ای نو و گیرا برای جامعه آن روز و به سبک داستانی عرضه شده بود که همین سبک نگارش، جذابیت ویژه ای در میان خوانندگان پدید آورد. اسـتاد شـهید در این کتاب، برخی مسایل مذهبی، اجتماعی و سیاسـی را که در آن روزگـار میـان قشرهای گونـاگون مردم به ویژه تحصـیل کردگـان مطرح بـود، از زبـان قهرمانـان کتـاب حلّاجی کرده است که نماد اندیشه های مشـخص جامعه ایران به شمار می آمدند. هم چنین با نقد مکتب های الحادی شرق و غرب و مقایسه تطبیقی آن ها با اسـلام، حق بودن باورهای اسلامی را به زیباترین شکل به اثبات رساند و با بیان حقایق اسلامی به مردم، خرافه هایی را که به نام اسـلام معرفی کرده بودند، می زدود. شـناسایی ماهیت واقعی غرب، نقد هویت غربی، معرفی گذشته پر افتخار مسلمانان و مناظره با شخصیت های بزرگ غرب و شرق در این کتاب به چشم می خورد.

در واقع، شخصیت پیر دانشمند که مدافع آموزه ها و باورهای اسلامی است، خود نویسنده است که در پاسخ به تمام شبهه های هم سـفران کـج عقیده و گاه مغرض، با بیانی کوبنده، منطقی و اسـتدلالی و با بردباری تمام، اصول انسانی دین اسـلام را برای آنان اثبات می کند.(۱)

۱- مجله پیام انقلاب، ش ۱۴۶، ص ۵۲.

۲. غروب آفتاب در اندلس

۲. غروب آفتاب در اندلس

استاد شهید در این کتاب، ماجرای تأسف بار و عبرت آموز شکست مسلمانان در اسپانیا را بررسی می کند و به ریشه یابی سقوط و فروپاشی تمدن اسلامی در آن جا می پردازد.(۱)

۳. اصول پنج گانه اعتقادی (۲ جلد)

۳. اصول پنج گانه اعتقادی (۲ جلد)

این کتاب در زمینه اصول عقاید است. جلد اول به نام «هستی بخش»، اصل توحید و عدل و جلد دوم با عنوان «رهبران راستین»، نبوت و رسالت پیامبران را بررسی کرده است. شهید هاشمی نژاد قصد داشت بحث معاد و امامت را در کتاب های جداگانه ای بررسی کند و یادداشت هایی نیز در همین زمینه فراهم کرده بود که متأسفانه با شهادت جان سوزش، این نیّت عملی نشد.(۲)

۴. درسی که حسین به انسان ها آموخت

۴. درسی که حسین به انسان ها آموخت

این کتاب، تحقیقی فراگیر درباره اصیل ترین انقلاب های خونین جهان است و در همین راستا، نهضت مقدس حضرت امام حسین علیه السلام ، بررسی شده است.

۱- مجله پیام انقلاب، ش ۱۴۶، ص ۵۲.

۲- پیام انقلاب، ش ۱۴۶، ص ۵۲.

۵. مشکلات مذهبی روز

۵. مشکلات مذهبی روز

این کتـاب، در بردارنـده پاسـخ هـایی است که در موضوع هـای گونـاگون علمی و دینی، در جلسه های «کانون بحث و انتقاد دینی» ارائه شده است این جلسه ها در سال های پیش از انقلاب، برای بیداری جوانان تشکیل می شد.

۶. ضرورت تشکیلات

۶. ضرورت تشکیلات

در این کتاب، درباره ضرورت و نقش تشکیلات در پیشبرد هدف های انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بحث شده است.

۷. قرآن و کتاب های آسمانی

۷. قرآن و کتاب های آسمانی

۸. راه سوم بین کمونیسم و سرمایه داری

۹. تقریرات اصول آیت اللّه شیخ علی کاشانی (به زبان عربی)

۱۰. مسایل عصر ما

۱۱. ولایت فقیه

۱۲. زهرا؛ مکتب مقاومت

فصل چهارم: ویژگی های اخلاقی

اشاره

فصل چهارم: ویژگی های اخلاقی

زندگی شهید هاشمی نژاد تا آخر عمر بسیار ساده و بی آلایش بود. وی با درآمدی که از دریافت شهریه و نوشتن کتاب به دست می آورد، زندگی خود را می گذراند. به راحتی از خطاهای دیگران در می گذشت. از کبر و غرور پاک بود. با توده های مردم به ویژه مستضعفان و محرومان جامعه، رابطه تنگاتنگی داشت و به یاری آنان می شتافت. بسیار سعه صدر داشت. دیدگاه ها و اندیشه های مخالفان را می شنید و به روش منطقی با آنان مناظره می کرد. در مسایل فرهنگی بسیار حساس بود. شجاعت کم نظیر، نظم در کار و وفای به عهد از ویژگی های برجسته او به شمار می رفت.(۱) در این جا برخی از این ویژگی ها را توضیح می دهیم.

علاقه و ارادت به اهل بیت

علاقه و ارادت به اهل بیت

او عشق و علاقه ویژه ای به اهل بیت پیامبر علیهم السلام داشت و هر ساله، سه روز را به نام مادرش، فاطمه زهرا علیهاالسلام در خانه خود، مجلس عزاداری بر پا می کرد و به روشنگری جوانان می پرداخت.(۲)

۱- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ۱۰، برگرفته از: فریادگر شهر شهادت، صص ۷۳ _ ۷۶.

۲- فریادگر شهر شهادت، ص ۷۴، (این مراسم تاکنون هرساله در خانه ایشان برگزار می شود).

گذشت و بخشش

گذشت و بخشش

مهربانی و گـذشت از ویژگی های مؤمنان است؛ زیرا در مسـیر وصال الهی، گرد و غبار کینه را از صـفحه دل مؤمن می زداید. شهیـد هاشـمی نژاد به گذشت و مهربانی شـهرت داشت و کینه جاهلان را به دل نمی گرفت. سـید احمد هاشـمی نژاد ــ برادر شهیـد ــ می گویـد: «سـی سال پیش فردی نزد ایشان آمـد و گفت: یکی از افراد با نفوذ جامعه درباره شـما چنین و چنان گفته است. ایشان با حـدس زدن این که او می خواهـد اختلاف ایجاد کنـد، گفت: موضوع را بررسـی می کنیم. اگر اشـکال در من باشـد، آن را برطرف می کنـم و گوینـده آن سـخن را نیز بـه خداونـد وا می گـذارم. بـدین ترتیـب، اجـازه نـداد که آن فرد با خبرچینی و غیبت میان او و شخص یاد شده، اختلاف ایجاد کند».(۱)

یاور محرومان

یاور محرومان

شهیـد هاشـمی نژاد در هیـچ شـرایطی محرومـان را فرامـوش نمی کرد و همواره بـا آنـان رابطه نزدیکی داشت. برای نمونه، در هنگام دبیر کلی ایشان در حزب جمهوری اسلامی مشهد، پیرزنی بود که هر ماه، مبلغی را از این دفتر دریافت می کرد. او برای تهیه این پول، بایـد پلّه های زیادی را می پیمود تا به دفتر ایشان بیایـد. شـهید هاشـمی نژاد بارها او را از آمدن باز می داشت و می گفت تو اذیّت می شوی، ولی پیرزن می گفت: «من باید بیایم و از نزدیک

۱- فریادگر شهر شهادت، ص ۷۴

شما را ببینم».(۱)

نظم و ساده زیستی

نظم و ساده زیستی

نگاهی به کارهای روزانه شهید، انبوه فعالیت هایی را نشان می داد که به ظاهر در مدت کوتاه شبانه روزی نمی گنجید، ولی ایشان با برنامه منظم و حساب شده، از زمان به بهترین صورت بهره می برد.

ساده زیستی او نیز مثال زدنی بود که البته در الگوگیری وی از زندگانی امامان معصوم علیهم السلام و عالمان وارسته ریشه داشت. دقت در مصرف بیت المال او را وا می داشت تا با پیروی از مولایش، امام علی علیه السلام به کسانی که دنیا را میدان تاخت و تاز خویش قرار داده بودند، بی توجه باشد. وی زمانی که به عنوان یکی از مهم ترین کارگزاران نظام اسلامی خدمت می کرد، در خانه ای معمولی، با اثاثیه ای بسیار ساده می زیست.

خیرخواهی

خیرخواهی

سیّد به محرومان و امور خیریّه توجه ویژه ای داشت و آن را عبادت می دانست. برای نمونه، هنگامی که اساس کار بانک ها بر ربا استوار بود و گرفتن اعتبارات بانکی مشکل زیادی داشت، صندوق قرض الحسنه ای را برای طلبه ها به راه انداخت که به کمک آن، مشکلات مالی بسیاری از طلاّب

۱- ریادگر شهر شهادت، ص ۷۶.

برطرف شد.(۱)

علاقه به همشهریان

علاقه به همشهریان

سیّد عبدالکریم که سال ها به آموختن معارف دینی در حوزه های علمیه و شهرهای گوناگون پرداخته بود، همواره حق مردم شهر و محلّه خود را رعایت می کرد. بدین جهت، هر سال عهد کرده بود پنج روز از روزهای تبلیغی خود را به بهشهر برود.(۲) مردم بهشهر نیز به شایستگی از او استقبال می کردند و هنگام سخنرانی وی، از جاهای دور و نزدیک برای شنیدن سخنانش، خود را به مسجد محله می رساندند.

۱- فریاد فضیلت، ص ۶۵.

۲- فریاد فضیلت، ص ۴۲.

فصل پنجم: مبارزات سیاسی

اشاره

فصل پنجم: مبارزات سیاسی

زیر فصل ها

اوضاع اجتماعی ایران پس از سال ۱۳۲۰

اوضاع اجتماعی ایران پس از سال ۱۳۲۰

با کناره گیری رضاشاه از قدرت در شهریور ۱۳۲۰، پسرش محمّدرضا پهلوی به جای پدر نشست و کشور بیش از هر زمان دیگری، زیر نفوذ بیگانگان رفت و به میدان تاخت و تاز آنان تبدیل گردید. مردم در فقر و تنگ دستی به سر می بردند، در حالی که رجال سیاسی کشور، سر سپرده سیاست دولت های بیگانه بودند و فساد، تباهی و رشوه گیری در امور اداری و دولتی رواج داشت.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، کشور بیش از پیش به امریکا وابسته شد و نارضایتی ها و اعتراض های مردمی گسترش یافت. امریکا برای مقابله با این وضعیت، از رژیم خواست با تحوّلی فریب کارانه و اصلاحاتی ساختگی، مردم را راضی کند و

آنان را با شعارهای دروغین سرگرم سازد. ازاین رو رژیم شاه با تصویب لایحه «انجمن های ایالتی و ولایتی»، قید اسلام را از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان حذف کرد و سوگند خوردن به هر کتاب آسمانی را به جای قرآن آورد و به زنان نیز حق رأی داد . این انحراف آشکار، برای کنار گذاشتن قرآن و احکام اسلامی از کشور ایران بود و سکوت در برابر آن، راه را برای تهاجم بعدی شاه باز می کرد. امام خمینی رحمه الله

نیز در حرکتی انقلابی و توفنده، سکوت را شکست و فریاد بیدار باش او لرزه بر اندام شاه انداخت. رژیم پهلوی با دیدن اعتراض عالمان انقلابی و همراهی مردم در پیروی از سخنان امام خمینی رحمه الله ، به یکباره عقب نشینی کرد و آن طرح پلید به شکست انجامید.

شاه که اراده اش به خواسته های امریکاییان وابسته بود، برای جبران شکست تاریخی خود، «انقلاب سفید شاه» را در دی ماه ۱۳۴۱ با رفراندومی ساختگی به راه انداخت. این انتخابات که فریبی بیش نبود، رفتارهای ضد قانونی و ضد اسلامی شاه را قوّت می بخشید.

این جریان نیز با تحریم امام خمینی رحمه الله و دیگر روحانیان مبارز روبه رو شد. به همین سبب، در مراسمی که به مناسبت شهادت امام جعفر صادق علیه السلام در فروردین ۱۳۴۲، از سوی حضرت آیت اللّه العظمی گلپایگانی رحمه الله در مدرسه فیضیه قم برگزار شده بود، مأموران ساواک با لباس شخصی در مراسم حضور یافتند و با هجوم بردن به طلبه ها، عده زیادی را شهید و مجروح کردند.

در عاشورای همان سال، امام خمینی رحمه الله در یک سخنرانی شجاعانه، دستگاه شاهنشاهی و پشتیبانانش را به باد انتقاد گرفت و روح تازه ای در دل های خفته دمید. رژیم که کانون اصلی مبارزه را شهر قم و شخص حضرت امام رحمه الله می دانست، شبانه به خانه ایشان هجوم آورد و او را به تهران برد. مردم مسلمان که نمی توانستند اسارت رهبر و مرجعشان را ببینند، به خیابان ها آمدند و حماسه ۱۵ خرداد سال ۴۲ را آفریدند.

نقش شهید در قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲

نقش شهید در قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲

در این زمان، فشار و اختناق دستگاه حاکمه، در شهر مشهد بسیار زیاد بود و ساواک نسبت به شهید هاشمی نژاد حساسیّت ویژه ای داشت. وی با سخنرانی های افشاگرانه خود، به هدایت مردم و بسیج نیروهای انقلابی می پرداخت و به رژیم وابسته شاه می تاخت. ایشان بارها در جلسه های کانون و منبرهای تبلیغی، خطر امریکا و اسراییل را گوشزد می کرد و در هر فرصتی به یاری گروه های سیاسی می شتافت.

شهید هاشمی نژاد چند روز پیش از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، در چند جای تهران به منبر رفت و در سخنرانی های پرشور خود علیه رژیم، به افشاگری و تحلیل ماهیت «اصلاحات شاه»، «تساوی حقوق زن و مرد» و کشتار طلاب مدرسه فیضیه قم در فروردین ۴۲ پرداخت. در گزارش ساواک تهران در مورد سخنرانی او آمده است:

در ساعت ۲۱۲۰ الی ۲۱۲۱ شب ۱۰/۲/۴۲ آقای هاشمی نژادِ واعظ، در مسجد مروی به دولت حمله نمود و اظهار داشت که: ما امنیت نداریم. نسبت به کار یهودی ها و بهایی ها رسیدگی می شود، ولی راجع به مسأله فیضیه قم رسیدگی نمی شود. دولت عده ای از طلاب را کشته، مضروب کرده، ولی دستگاه دادگستری می گوید ما آن ها را نمی شناسیم. چرا این دولت نمی رود تا دولت دیگری جای او را بگیرد. دستگاه ظالم یزید هم زیاد خودمختاری می کرد، ولی یک روز سرنگون شد. چرا تیشه به ریشه اسلام می زنید؟(۱)

مأموران ساواک پیش از حادثه ۱۵ خرداد، سخنرانی ها و فعالیت های شهید هاشمی نژاد را به دقت پی گیری می کردند و پیوسته گزارش کارهای او را به

۱- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۵، ص ۱۳.

مرکز می فرستادند. همراهی و اخلاص او به حضرت امام خمینی رحمه الله سبب شد هم زمان با دستگیری امام، این شاگرد جوان نیز دستگیر شود. او در بازجویی خود می گوید:

علت بازداشت ممکن است به علت انتقادات قانونی بوده که این جانب در سخنرانی های خود نسبت به قسمتی از اوضاع فعلی داشته ام و اگر واقعاً علت بازداشت همان است که تشخیص داده ام، بسیار جای تأسف است.

وی در همان بازجویی و در پاسخ به اتهام ساواک مبنی بر اقدام او علیه امنیت کشور و شوراندن مردم می گوید:

هیچ مسلمانی بر ضد امنیت کشور اسلامی و تحریض مردم به اخلال نظم و اغتشاشات و دعوت به تظاهرات اقدام نمی کند؛ چه رسد به این جانب که سمت تبلیغ و رهبری مردم را در حدود استعداد ذاتی خود به عهده دارم.(۱)

به هر حال، شهید هاشمی نژاد ۴۱ روز در زندان شهربانی کل کشور زندانی شد و پس از چند بار بازجویی، در تاریخ ۲۴/۴/۱۳۴۲ با حکم سازمان اطلاعات و امنیت کشور از زندان آزاد گردید.(۲)

ماجرای مسجد نواب

ماجرای مسجد نواب

شهید هاشمی نژاد در مهرماه سال ۴۲ برای سخنرانی به مسجد نواب(۳) مشهد دعوت شد. وی در این سخنرانی، با انتقاد شدید از دولت، به

۱- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۵، ص ۱۳.

۲- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۵، ص ۱۳.

۳- این مسجد در پایین خیابان مشهد قرار دارد.

انجمن هـای ایـالتی و ولاـیتی اعتراض کرد. هم چنین از خیـانت هـای رضاخـان در کشف حجـاب، مخـالفت بـا اسـلام، رشوه خواری و قتل پرده برداشت. او در بخشی از سخنرانی خود گفت:

مجلس شورا و سنا را قبول نـداریم. این هـا را دولت تعیین کرده. من دولت را مسـخره می کنم. من می گویم تا مجلس از هم پاشـیده شود. چرا دولت از غیرخودش قرض می گیرد؛ یعنی از امریکا قرض می گیرد که به یهودی ها کمک کند تا دین را از بین ببرند.(۱)

او که بـا صـراحت و شـجاعت، مـاهیت دولت دست نشانـده پهلوی را افشا می کرد، درباره تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی چنین گفت:

انجمن های ایالتی و ولایتی که دولت تصویب نموده، به حکم علما و قانون اسـلام، دولت آن را لغو نمود؛ حال چرا مجـدداً از سر گرفته است؟(۲)

فردای آن روز نیز بـار دیگر اسـتوارتر و خروشـان تر از شب گذشـته، سـخنرانی کرد و هم چنـان از رفتار مجلسـین، اصـلاحات ارضی و کشف حجاب سخن گفت و مجلسین را قلّابی و کاملاً بی اساس خواند:

هر وقت در مقابل مبارزات علما قرار می گیرند، فوراً اصلاحات ارضی را به رخ شما مردم می کشند.(۳)

شهیـد هاشـمی نژاد کشـف حجاب را بزرگ تریـن خیـانت بـه کشـور می دانسـت و آن را جرمی بزرگ و خیـانتی آشـکار و فراموش نشدنی می خواند. هم چنین افزایش آمار قتل، فساد، رشوه خواری، خودکشی و طلاق را از پی آمدهای

۱- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۵، ص ۱۴.

۲- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۵، ص ۱۴.

۳- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۵، ص ۱۵.

دوران حکومت رضاخانی برمی شمرد. البته این سخنان برای ساواک تحمل ناپذیر بود. از این رو، تصمیم داشتند او را دستگیر کنند.

در شب دوم سخنرانی، مسجد نواب به محاصره نیروهای امنیتی شهربانی درآمد و مأموران ساواک با لباس شخصی در مسجد حضور یافتند. پس از سخنرانی، مردم که از احتمال دستگیری سیّد آگاه شده بودند، مسجد را ترک نکردند و به او پیشنهاد دادند هم زمان با خاموش شدن چراغ های مسجد، فرار کند. سیّد با تأکید بر این که فرار، کار آدم های زبون است، گفت: «اگر هدف دستگیری من است، خود را معرفی خواهم کرد». سرانجام نیروهای امنیتی پس از درگیری با مردم و به شهادت رساندن دو نفر از آنان و مجروح و مصدوم کردن برخی دیگر، هاشمی نژاد را سوار ماشین کردند و با خود بردند.

عمق فاجعه مسجد نواب، ساواک را بر آن داشت تا به بی گناهی هاشمی نژاد و عمل ناجوان مردانه خود در کشتار مردم اعتراف کند. ساواک می کوشید با جلب حمایت مرکز، بر این جنایت بزرگ سرپوش بگذارد.(۱) به هر حال، هرگونه ملاقات با شهید هاشمی نژاد را ممنوع کرده بودند. آیت اللّه میلانی با ارسال تلگراف، از این حادثه ابراز تأسف کرد که ساواک با توجه به اوضاع پیش آمده، هاشمی نژاد را بدون محاکمه آزاد ساخت.

در پی واقعه دردناک مسجد نواب و شهادت گروهی از مؤمنان، سخنرانان زیادی به افشاگری و روشنگری مردم پرداختند و جنایت های رژیم را محکوم کردند.

۱- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۵، ص ۱۶.

سخنرانی در مسجد سید اصفهان

سخنرانی در مسجد سید اصفهان

شهید هاشمی نژاد در سال ۱۳۵۲ به مدت ۱۰ شب در مسجد سید اصفهان سخنرانی کرد. پس از آن تصمیم گرفت به همراه خانواده، به شیراز سفر کند. ساواک اصفهان به شیراز گزارش داد که با رسیدن سید به شیراز، وی را دستگیر کند و به اصفهان باز گرداند. شهید هاشمی نژاد پس از دستگیری و بازداشت موقت دو ماهه تبرئه شد، ولی او را از رفتن به منبر بازداشتند.(۱)

با این وجود او از سفر به شهرهای گوناگون کشور بازنایستاد و در دیدارها و گفت و شنودهای خود با دوستان و هم رزمانش، به تقویت روحیه مبارزان می پرداخت.

اعتراض به دستگیری طلاب قم

اعتراض به دستگیری طلاب قم

روحانیان قم در سال ۱۳۵۴ تصمیم گرفتند در سالروز قیام خونین پانزدهم خرداد، بزرگداشتی برگزار کنند. آنان سه روز پی در پی در مدرسه فیضیه عزاداری کردند و پرچم سرخ حسینی را بر سر در مدرسه برافراشتند. ساواک، فیضیه را به محاصره درآورد و سرانجام در روز هفدهم با یورشی همه جانبه، صدها تن را مجروح و دستگیر کرد. در اعتراض به این عمل رژیم، بعضی از استادان حوزه علمیه مشهد از جمله شهید هاشمی نژاد، درس خود را تعطیل کردند که در پی آن، وی به همراه سیزده تن دیگر دستگیر شدند و ایشان به مدت دو سال به زندان محکوم شد. پس از پایان محکومیت، برای روشن

۱- مجله پانزده خرداد، ش ۲۳، ص ۲۳.

شدن وضعیت، وی را به تهران فرستادند. گزارش ساواک در این زمینه چنین بود:

عبدالکریم هاشمی نژاد یکی از وعاظ افراطی بود که به علت فعالیت های مضّره امنیتی، به دو سال زندان محکوم [شد و] پس از سپری شدن مدت مذکور به علت این که تعهد همکاری نداده [است،] در تاریخ ۲۵/۳/۵۶ از زندان شهربانی مشهد به زندان اوین اعزام شده است.(۱)

وی سرانجام در تاریخ ۳۰/۳/۵۶ از زندان آزاد شد، ولی همیشه زیر نظر بود.

شهادت حاج آقا مصطفی خمینی

شهادت حاج آقا مصطفی خمینی

در تاریخ ۶/۸/۵۶، در مجلس ترحیمی به مناسبت شهادت حاج آقا مصطفی خمینی، از مقام آن شهید تجلیل شد. به همین جهت شهید هاشمی نژاد در مشهد به دور از چشم مأموران، به همراه حضرت آیت اللّه خامنه ای و آیت اللّه طبسی، اتاقی اجاره کرده بودند و با صدور اعلامیه هایی، مردم را به اعتصاب و راه پیمایی تشویق می کردند.(۲) از این رو، ساواک دوباره به تکاپو افتاد و با یورش به خانه سید، برای چندمین بار او را دستگیر کرد. چندین بار نیز با مواد منفجره به جان او سوء قصد کردند که البته به نتیجه ای نرسید.

۱- مجله پانزده خرداد، ش ۲۳، ص ۲۴.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۸/۷/۶۰.

فعالیت های شهید در سال ۱۳۵۷

فعالیت های شهید در سال ۱۳۵۷

آیـات عظـام و علما در نوروز ۱۳۵۷، عیـد را تحریم کردنـد تا یاد شـهیدان مظلوم را گرامی بدارنـد. ساواک که با وجود تغییر شرایط به سود انقلاب، هنوز راه چاره را در بازداشت و شکنجه می دانست، بار دیگر شهید هاشمی نژاد را در تاریخ ۲۲/۳/۵۷ به زندان انداخت. البته به دو دلیل زیر، زمینه آزادی زود هنگام وی را فراهم کردند:

۱. اوج گرفتن مبارزات و راه پیمایی های مردمی؛

۲. تغییر موضع رژیم و ظاهر سازی برای دادن آزادی فرمایشی.

در تاریخ ۹/۶/۵۷، گردهمایی با شکوهی به مناسبت چهلم واقعه مدرسه نواب مشهد تشکیل شد. در این مجلس، شهید هاشمی نژاد در سـخنانی اعلام کرد که باید «گلوله را با گلوله پاسخ داد». پس از پایان مراسم، تظاهر کنندگان با پلیس درگیر شدند و شیشه های ۳۰ شـعبه بانک را شکسـتند. ساواک که هاشـمی نژاد را عامل این شورش می دانست. دستور داد هرجا او را بیابند، دسـتگیر کننـد. اما امواج خروشان انقلاب رفته رفته به توفانی تبـدیل می شـد که همه چیز را بر سـر راه خود، درهم می کوبید. هنگامی که رژیم در حال ارزیابی قـدرت خویش در رویارویی با این خیزش مردمی بود و با نگرانی رویدادها را پی گیری می کرد، تظـاهرات انبـوهی در شـهرهای مختلف از جمله مشـهد شـکل گرفت که ناامیـدی را بر دل هواداران انـدک نظـام پهلوی مسـتولی گردانیـد. از سوی دیگر، نیروهای انقلابی که با دیـدن حضور فزاینده مردم، به یاری الهی دل بسـته بودند، با اراده ای آهنین، آخرین ضربه ها را بر پیکر ناتوان رژیم شاهنشاهی وارد آوردند.

در گزارش شیخان، رییس ساواک خراسان در مورد تظاهرات مشهد چنین آمده بود:

تظاهرات روز ۵/۹/۵۷ مشهد باعث ناراحتی افراد شاه دوست و میهن پرست شده و از وضع موجود شدیداً اظهار نگرانی و ناراحتی می کردند. افرادی که به رژیم شاهنشاهی وفادار بودند با مشاهده چنین تظاهراتی و عقب نشینی نیروهای انتظامی دچار تزلزل روحی گردیدند.(۱)

فعالیت های شهید پس از پیروزی انقلاب اسلامی

اشاره

فعالیت های شهید پس از پیروزی انقلاب اسلامی

ایشان پس از بازگشت پیروزمندانه امام خمینی رحمه الله به ایران در ۱۲ بهمن ۵۷، به قصد زیارت حضرت امام، از مشهد به تهران آمد. چون فرصت طلبان قصد یورش به پادگان خراسان را داشتند تا اسلحه و مهمّات آن جا را به دست گیرند، شهید هاشمی نژاد به سرعت به مشهد برگشت. وی به همراه آیت اللّه طبسی و پشتیبانی مردم توانست پادگان شهر را از دست فرصت طلبان خارج سازد و شهر را آرام نگاه دارد.(۲)

پس از انقلاب، شهید هاشمی نژاد به مبارزه با جریان های فکری انحرافی روی آورد. او بر آن بود که بزرگ ترین دشمن انقلاب، وجود گروه های مختلفی است که شالوده فکری آن ها در تضاد با اصول اساسی اسلام است، که در نهایت بر روند انقلاب اثر سوء می گذارد. بخشی از این مبارزات سید شهید به قرار زیر است:

۱- مجله پانزده خرداد، ش ۲۳، ص ۲۶.

۲- فریاد فضیلت، ص ۹۸.

الف) مبارزه با منافقان

الف) مبارزه با منافقان

مبارزه فکری با منافقان، بخشی از زندگی شهید هاشمی نژاد بود. او به زیر بنای عقیدتی و التقاطی سازمان مجاهدین خلق و وابسته بودن آنان پی برده بود و می دانست که گروهی از زندانیان، تنها برای به دست آوردن شهرت و مشروعیت مردمی، به زندان افتاده اند. از این رو، در پی آن بود تا با شجاعت و ایمانی راسخ و با زبانی گویا، مسایل انحرافی این سازمان را علنی سازد.

ایشان در بخشی از خاطراتش می گوید:

در زندان، برخوردهایی با گروه هایی چون مجاهدین خلق (منافقین)، چریک های فدایی خلق و حزب توده داشتم. بنده از مجاهدین خلق شناختی نداشتم و نوشته هایشان را نخوانده بودم. آن ها با برخوردهای منافقانه می کوشیدند چیزهایی را که بچه مسلمان ها به آن ها حساسیت داشتند، رعایت کنند. این باعث شده بود برخورد حادّی با آن ها نداشته باشم، اما پس از انقلاب، نظر بنده در مورد آن ها عوض شد و با منافقین به شدت برخورد کردم.(۱)

شهید هاشمی نژاد درباره موضع گیری آنان پس از انقلاب می گوید:

آن طوری که تاریخ کشورمان نشان می دهد، پس از پیروزی انقلاب، موضع و خط آن ها [منافقین] درست خلاف خط امام بوده است. با مقایسه ای بین موضع گیری امریکا و منافقین نسبت به انقلاب، هماهنگی زیادی در این زمینه بین امریکا و این سازمان وجود داشته است. موضع گیری آن ها در استقرار جمهوری اسلامی، در رابطه با مجلس خبرگان و تضعیف آن و قانون اساسی، منفی بوده است.(۲)

۱- مجله بصائر، ص ۱۱۷، برگرفته از: ویژه نامه جوان مرد فاضل، ص ۱۱.

۲- مجله بصائر، ص ۱۱۷

ب) مبارزه با لیبرال ها

ب) مبارزه با لیبرال ها

انـدیشه هـای لیبرالیسم در جامعه آن روز ایران، بیش از هر فکر دیگری خودنمایی می کرد. لیبرال ها با اعتقاد به اصل جـدایی دین از سـیاست، خود را بزرگ ترین سـیاست مـدار می دانسـتند و معتقد بودند روحانیت در سـیاست و حکومت نباید دخالتی داشته باشد و تنها باید به امور دینی مردم رسیدگی کند. آنان برای رسیدن به قدرت، به پشتیبانی تبلیغات استعمارگران، «کمیته دفاع از حقوق بشر» را در ایران به راه انداختند. چند نفر از سران آن ها نزد آقای هاشمی نژاد در مشهد رفتند تا او را به پذیرش عضویت در این کمیته فرا خوانند. سید که از اندیشه آنان آگاهی داشت، گفت:

آقایان! دیر به فکر افتاده اید! مردم با یافتن راه خود، فریب نیرنگ های شـما را نخواهند خورد و هرگز به شما که اصولاً حرف و خواست مردم را نفهمیدید، اعتماد نخواهند کرد.

ج) مبارزه با انجمن حجتیه

ج) مبارزه با انجمن حجتیه

شهید هاشمی نژاد درباره انجمن حجتیه چنین می گوید:

افراد انجمن را باید از خط انجمن جدا کرد. این افراد سه گروهند:

یک ــ آن هایی که در انقلاب هستند و پیرو امام بوده و هستند؛ دو ــ افرادی که صادق و خوبند، ولی بینش انقلابی و سیاسی ندارنـد که می شود بـا این هـا کـارکرد و به آن هـا بینش داد. خـط انجمن، مبارزه با بهایی گری بود. این که با بهاییت مبارزه شود، اشـکالی نـدارد، ولی آن هـا و رهبرانشان چنان خطر بهاییت را بزرگ جلوه می دادنـد که انگار در این کشور، تنها خطر بهـاییت است؛ در حالی که بهاییت شاخه ای است از شاخه های اسـتعمار. چنان که دیـدیم وقتی در ایران انقلاب شـد و عوامل امپریالیسم سـرکوب شدنـد، بهایی گری هم بی رونق شـد؛ سه ــ بچه های خوب و صادقی که با آن ها کار می کردند؛ به این افراد گفته می شد که نباید به سیاست کار داشته باشند. به

آنان امکانات رفاهی و بورس تحصیلی می دادند به شرطی که با رژیم کاری نداشته باشند. یکی از سرگرمی ها این بود که با بهایی گری مبارزه کنند. بهاییت سه جنبه داشت: جنبه اقتصادی؛ جنبه سیاسی و جنبه فکری.

این ها در جنبه سیاسی و اقتصادی اجازه فعالیت و مبارزه نداشتند در زمان انقلاب، می کوشیدند رهبر انقلاب را امام نگویند _ البته این را آشکارا نمی گفتند _ بلکه نائب الامام می گفتند در بعضی از دبیرستان ها، برخی از معلمان، مطرح کردند که مقام رهبری از مقام مرجعیّت جداست؛ یعنی دین از سیاست جداست. مسئله دیگر این که با نام یا صاحب الزمان عکس های امام در مغازه ها بسیار کم شد. در شعارها، یا صاحب الزمان آوردند. آن ها با این نام می خواستند مقام رهبری را تضعیف کنند.(۱)

مسئولیت های پس از انقلاب

مسئولیت های پس از انقلاب

ایشان با رأی مردم استان مازندران به مجلس خبرگان قانون اساسی راه یافت و در تصویب ماده های قانونی مهمّی هم چون «ولایت فقیه» نقش اساسی ایفا کرد.

شهید هاشمی نژاد در مشهد سمت های رسمی را نپذیرفت، ولی اداره کلاس های درس و نیز اداره حزب جمهوری اسلامی (شاخه مشهد) به عهده ایشان بود. وی در سمت دبیر کلی حزب جمهوری اسلامی مشهد، خدمات شایسته ای برای بالا بردن سطح آگاهی های اعضا و جذب جوانان انجام داد.

هم چنین در سال ۵۸ به دو کشور لیبی و سوریه و در سال ۵۹ به کشورهای ژاپن و بنگلادش سفر کرد تا پیام انقلاب اسلامی را به مسؤولان آن کشورها برساند. وی در دیدار با وزیر خارجه ژاپن با صراحت چنین گفت:

۱- مجله پیام انقلاب، ش ۹۴، ویژه دومین سالگرد شهادت شهید هاشمی نژاد با گزینش و ویرایش

من آمده ام تا بگویم آقای وزیر! عراق به ایران تجاوز کرده [است]، ظلم و خیانت کرده [است]؛ چرا شما بی طرفید؟ شما باید تحقیق کنید؛ بدانید کدام کشور متجاوز است، او را محکوم کنید. بی طرفی کار آدم عاقل و اهل فکر نیست.(۱)

سیّد در هنگامه جنگ تحمیلی چندین بار به همراه حضرت آیت اللّه خامنه ای(مدظله العالی) به مناطق جنگی رفت و در پشت جبهه نیز خدمات ارزنده ای انجام می داد.(۲)

پس از شهادت رئیس جمهور محبوب، شهید محمّد علی رجایی، با تلاشی پی گیر از مسئولان تراز اول کشور خواست تا شخصیتی از روحانیت دل سوز، این مقام را بر عهده گیرد. وی خواهان آن بود که در آن برهه حساس، شخصیتی عالی قدر هم چون حضرت آیت اللّه خامنه ای «زید عزه» عهده دار آن مقام گردد. با شنیدن خبر موافقت آیت اللّه خامنه ای برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، بی اندازه خوشحال شد.(۳) وی اعتقاد داشت نباید آیت اللّه خامنه ای را تنها یک فرد مکتبی بدانیم، بلکه باید او را یک ایدئولوگ و مکتب شناس به شمار آوریم.(۴)

۱- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ۱۹.

۲- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ص ۱۹.بر گرفته از: روزنامه جمهوری اسلامی، ۸/۷/۶۰.

۳- فریاد فضیلت، ص ۱۱۶.

۴- فریاد فضیلت، ص ۱۱۶.

فصل ششم: فعالیت های فرهنگی و اجتماعی

اشاره

فصل ششم: فعالیت های فرهنگی و اجتماعی

زیر فصل ها

نگارش کتاب و مقاله

ایراد سخنرانی های پر شور و حماسی

تشکیل کانون بحث و انتقاد دینی

حضور در جبهه های جنگ

نگارش کتاب و مقاله

نگارش کتاب و مقاله

یکی از مؤثرترین شیوه هایی که شهید هاشمی نژاد برای بالا- بردن سطح آگاهی های مردم از آن بهره می گرفت، کارهای پژوهشی و نگارشی بود. وی با نوشتن مقاله و کتاب می کوشید تا بی نیازی مکتب اسلام و جاودانگی قوانین و احکام آن را برای نسل نو توضیح دهد. هم چنین می خواست به گونه ای به شبهه ها و ایرادهای فریبنده پاسخ گوید و حقایق اسلامی را با مراجعه به منابع اسلامی هم چون قرآن، نهج البلاغه و... برای دیگران بازگو کند.

شهید هاشمی نژاد نویسنده ای بزرگ و خطیبی توانا بود. تنها نویسنده بودن و بی توجهی به زمان و مکان مهم نیست، بلکه نویسنده ای که بر اساس نیاز زمان و شرایط زمانی قلم می زند، تواناتر و کارش ارزشمندتر است. ایشان از نویسندگانی بود که بر اساس شرایط زمانی و مکانی با نوشتن کتاب ها و مقاله های فراوان و ایراد سخنرانی، به شبهه های فریب کاران و مکتب های الحادی پاسخ می گفت.

ایراد سخنرانی های پر شور و حماسی

ایراد سخنرانی های پر شور و حماسی

شهید هاشمی نژاد سخنوری توانا بود که پرشور و حماسی سخنرانی می کرد. سخنرانی هایش به قدری حماسه آفرین و گیرا بود که افراد با شنیدن سخنانش، آماده جنبش و خیزش می شدند. تأثیر گذاری سخنرانی سید در

مسجد نواب مشهد (در زمان رژیم پهلوی) به اندازه ای بود که شرکت کنندگان، هیچ گاه از مجازات احتمالی دژخیمان پهلوی و ساواکی های مزدور، ترسی به خود راه نمی دادند. گویی شیفته شهادت شده بودند و با غسل شهادت از مجلس بیرون می آمدند.

سخنرانی های شورانگیز سید در تهران، اصفهان، قم، خراسان، یزد، مازندران و... زبانزد همگان بود. وی با هر سخنرانی، لرزه بر اندام استبداد پهلوی می انداخت. به دلیل تأثیر گذاری سازنده سخنرانی های سید بود که خطیب توانا، حجت الاسلام فلسفی به ایشان می گفت: «سیّد تو اتمی».(۱) آری، او هرجا که سخن می گفت، انفجاری در بینش سیاسی مردم ایجاد می کرد.

سخنان گویا و سازنده سید در شوراندن مردم علیه ساواکی ها، سلطنت طلبان و دل سپردگان به غرب در پیش از انقلاب و نیز منافقان، لیبرال ها و ملی گرایان پس از پیروزی انقلاب، نقش بسزایی داشت.

تشکیل کانون بحث و انتقاد دینی

تشکیل کانون بحث و انتقاد دینی

شهید هاشمی نژاد پس از مهاجرت از قم به مشهد، با ضرورتی که احساس می کرد و با شناختی که از جامعه داشت، مؤسسه ای با نام کانون بحث و انتقاد دینی تشکیل داد که در اعتلای حق و بالا بردن آگاهی جوانان، اقدامی به جا و شایسته بود.

جلسه های «کانون بحث انتقاد دینی» نشستی بود که سید به پرسش های فکری و سیاسی جوانان پاسخ می داد. این نشست ها به اندازه ای در پویایی

۱- شفیعی دارابی، یادواره شهید هاشمی نژاد، ص ۹۱.

نهضت اسلامی امام خمینی رحمه الله و روشنگری جوانان نقش داشت که دستگاه مجبور شد او را از کانون جدا کند و اجازه سخنرانی در آن جلسه ها را از او بگیرد.

سید در این جلسه ها، از برنامه های فرهنگی رژیم و ماهیت فیلم های سینمایی و برخی مقاله های روزنامه ها انتقاد می کرد؛ زیرا کاملاً در مسیر زدودن باورهای مذهبی مردم گام برمی داشتند.(۱) وی با تشکیل این مؤسسه (با آن که فضای ویژه ای بر حوزه مشهد حاکم بود) توانست تحولی بنیادین در سطح جامعه، به ویژه در میان جوانان طلبه و دانشجو ایجاد کند. او جوانان تحصیل کرده را که از مذهب دل زده شده بودند، جذب کرد و آن چنان شور و هیجانی در آنان آفرید که عاشقانه در راه رفع نیازمندی های فکری و عقیدتی خود می کوشیدند. سالن سخنرانی همواره کانون پُر از جمعیت بود، به گونه ای که پس از آغاز جلسه، جای خالی پیدا نمی شد.(۲)

از دیگر اقدام های ایشان، افشاگری و انتقاد از فروش گوشت خوک در کشور اسلامی، اعتراض به هنر دروغین، وضع هنرپیشه های فاسد، ردّ خرافه پرستی و تقلید از غرب، انتقاد از طرح آموزش جنسی در مراکز آموزشی ـ فرهنگی، تحلیل نظام های سرمایه داری و کمونیستی و اعتراض به اختلافات طبقاتی بود.(۳)

۱- مجله پانزده خرداد، ش ۲۳، ص ۲۱.

۲- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۵، ص ۱۲.

۳- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۵، ص ۱۲.

حضور در جبهه های جنگ

حضور در جبهه های جنگ

شهید هاشمی نژاد در کنار فعالیت های فرهنگی، عقیدتی و سیاسی در پشت جبهه، از پرداختن به فعالیت های نظامی و شرکت در جبهه جنگ نیز غافل نبود. او برای یاری و همگامی با رزمندگان اسلام، بارها به جبهه جنگ رفت و با حضور در کنار رزمندگان به آنان روحیه می بخشید.

فصل هفتم: اندیشه های شهید

اشاره

فصل هفتم: اندیشه های شهید

در بیان دیدگاه های شهید هاشمی نژاد موارد زیر از برجستگی ویژه ای برخوردار است:

ضرورت حضور روحانیت در جامعه

ضرورت حضور روحانیت در جامعه

شهید هاشمی نژاد در زمینه کارآیی و ضرورت حضور روحانیت در جامعه می فرماید:

خطرناک ترین و ناشناخته ترین و پنهان ترین قیافه استعمار غربی، امپریالیسم فرهنگی و فکری او است. [استعمار] اول فکر و تعصب و اندیشه را از میان می برد؛ طرز برداشت ما را از دین تغییر می دهد و زمینه استقرار خودش را در اذهان و در متن جامعه هموار می کند و هجوم اقتصادی و نظامی را به دنبال می آورد. اگر امپریالیسم فرهنگی نباشد، راه هموار نیست. اولین بار روشن فکران مسلمان بودند که نقاب فرهنگی و روشن فکری و تمدن را از قیافه کریه امپریالیسم فرهنگی استعمار که کارش فرهنگ زدایی و نفی مذهب و محو معنویت و روح اصالت و غارت فضایل اخلاقی و مدنی در جامعه ها بود، کنار زدند و احساس کردند که باید در برابر هجوم فرهنگی استعمار غربی ایستاد. در این راستا، روحانیان مسئول در طول تاریخ اسلام در همه جبهه ها[ی] ایدئولوژیکی، فرهنگی و... هدایت جامعه را بر عهده گرفتند. آنان در گردآوری و حفظ تعالیم اصلی اسلام، مبارزه با ستمگران و استعمارگران تاریخ، کوشش همه جانبه برای پیاده کردن نظام توحیدی و

حکومت خـدا بر مردم، نقش اساسـی داشـته اند. آنان در همه این جبهه ها، نقش رهبری جامعه و توده های مردمی را بر عهده داشـتند. روحانیت مسئول در طول چنـدین قرن توانست معتقدات اسـلامی نسل های مسـلمان را حفظ کرده و گسترش دهد و میراث های فکری و اعتقادی هر نسـلی را به نسل بعـد منتقل سازد تا آن جا که برای هیچ انسان منصف، جای تردید نیست که عمده ترین عامل بقا و نشـر اسلام و فرهنگ آن از زمان معصومین علیهم السلام تا قرن حاضر، روحانیان متعهد و عالمان واقعی اسـلام بوده انـد. اینان از فرهنگ اسـلامی در طول چنـدین قرن پاسداری کردند و از سوی دیگر، در برابر مذهب ها و فرهنگ های ضداسـلامی و ضـد تشیع دفاع کرده و با ده ها کتاب و رساله در پاسـخ گویی به آنها کوشـیده اند. بنابراین، بزرگ ترین پایگاهی که می توانـد توده ما را آگاه کند؛ اسـلام راستین را به آنان بشـناساند؛ در بیداری افکار عمومی به ویژه متن توده ها، نقش مؤثر و نجات بخشـی را ایفا کند و در احیای روح اسـلامی و ایجاد نهضت آگاهی بخش، عامل نیرومند و مقتدری باشد، همین پایگاه «طلبه» و «حوزه» و حجره های تنگ و تاریکی است که از درون آن ها سیدجمال الدین ها بیرون آمده است و می آید.(۱)

نقش زن در جامعه

نقش زن در جامعه

از مسایلی که شـهید هاشـمی نژاد، در مورد آن حسّاسـیّت داشت و در نوشـته ها و سخنرانی هایش بسیار به آن توجه می کرد، نقش زن و جایگاه والای او در مکتب اسلام بود. به باور وی، زنان مسلمانی که عفت و حجاب خود را حفظ می کنند، بزرگ ترین خدمت را به کشور و ملت خود انجام

۱- سیدعبدالکریم هاشمی نژاد، مناظره دکتر وپیر، صص ۴۹۸ _ ۵۰۷ با گزینش و ویرایش.

می دهند. شهید هاشمی نژاد در دفاع از حقوق و ارزش زنان و جایگاه زن در انقلاب اسلامی چنین می گوید:

تردیـدی نیست یکی از اثرات عمیقی که انقلاـب مـا در طول زنـدگی ملت بر جـای گذاشـته است، در رابطه بـا زن در جـامعه است. الان در تمام مراحل و حرکت های انقلابی، جامعه از برکت وجود زنان استفاده کرده و می کند. نقش آن ها در انقلاب ما تا آن جا بود که حتی در یکی از دیـدارها، امام خمینی رحمه الله صـریحا به خانم ها فرمودنـد که نقش شـما در این انقلاب بیش از مردان بوده است.

بزرگ ترین وظیفه مقدس و مهم زنان که سعادت یا سیه روزی مملکت بسـتگی مسـتقیم به آن دارد، تربیت فرزندان صالح و شغل مقدس مادری است. اسلام بالاترین عزت و عظمت را برای زن قایل شده است و تا آخرین حدّی که منطق علم و موازین عقل اجازه می دهد، برای زنان موقعیت و مقام در نظر گرفته است.(۱)

ضعف ایمان؛ مشکل اصلی بشر

ضعف ایمان؛ مشکل اصلی بشر

شهید هاشمی نژاد درباره مشکل اصلی بشر در جهان امروز چنین می گوید:

تنها ضـعف ایمان، عامل اصـلی کمبود بشر امروز است. فقر ایمانی و اخلاقی در این عصر تا بدان جا چشم گیر است که مظاهر سنگین آن، در همه شئون فردی و اجتماعی جامعه دیده می شود. تاریخ گذشته بشر از جمله تجربه تلخ زنانِ ما، به خوبی نشان داد که کنترل منطقی و صـحیح غریزه هـای انسـانی و مهـار هوس هـای سـرکش انسـان هـا جز با نیروی ایمان به خـدای جهان آفرین، امکان پذیر نیست. کمبود بشر در جهان حاضر، همانا نبود ایمان به خداوند

۱- پیام انقلاب، ش ۱۴۶، ص ۵۲، جلسه ۶۶ مجلس خبرگان ۲۲/۸/۵۸.

است. تنها با تقویت جنبه های ایمان و تحکیم پیوندهای معنوی و عملی انسان ها است که می توان به این زندگی بی سر و سامان بشری سامان داد تا بتوان در سایه ایمان، از منابع مادّی و معنوی بهره گرفت و سعادت، صلح، آزادی و... را به دست آورد.

ضرورت ولایت فقیه

ضرورت ولایت فقیه

ایشان ولایت فقیه را ادامه ولایت الهی دانسته و سرپیچی از آن را جایز نمی داند. از این رو می فرماید:

جهان بینی ما این است که حاکمیت در اصل از آنِ خداست و کسانی را که خداوند حاکم قرار می دهد، حق حکومت دارند. به همین جهت، حاکمیت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم و حاکمیت امامان معصوم علیهم السلام ، بر اساس مدارک اسلامی ثابت است. از این رو، حکومت فقیه، دنباله حکومت ائمه علیهم السلام است.

بی تردید، مطرح کردن فکر جدایی رهبری از مرجعیت، خیانت به اصل انقلاب و اسلام است؛ زیرا این فکر، جامعه را به همان وضعی برمی گرداند که در گذشته داشتیم. تمام ضربه هایی که جامعه ما در گذشته خورده، از همین جا سرچشمه گرفته است. تجربه ها نشان داده است که اگر مقام رهبری از مقام مرجعیت جدا باشد، رهبر نمی تواند نقش سازنده ای داشته باشد.(۱)

بیداری جوانان

بیداری جوانان

شهید هاشمی نژاد به جوانان توجه ویژه ای داشت. وی معتقد بود که قلب نورانی جوان، آماده پذیرش حق است. او با این اندیشه، در روشنگری جوانان مسلمان و بر حذر داشتن آنان از خطر کج روی ها، گام های مؤثری برداشت و

۱- عروه الوثقی، ش ۱۲۴، صص ۲۰ _ ۲۲.

با سخنرانی و نوشتن کتاب و مقاله، به هدایت جوانان همّت گماشت. وی در بخشی از سخنانش در سال ۱۳۵۲ می گوید:

خواهران و برادران جوان من! برای شما دام خیلی زیاد است. دام ها بسیار گوناگونند. یک سلسله از این دام ها، سینما، تلویزیون و مجلّات کذایی است. این به معنای استفاده نکردن از صنعت سینما یا صنعت تلویزیون نیست. بحث در مخالفت با صنعت نیست. طرز استفاده از آن مهم است. اگر ما شرایط خوبی داشتیم، از این وسایل صنعتی می توانستیم در راه پیشرفت فکری و علمی جامعه بهره برداری کنیم. این ها دام استعمار است برای جذب نیروهای جوان. قوی ترین غریزه در جوان، غریزه جنسی است. این غریزه را همواره تحریک می کنند. دام ها هم از این نوع انتخاب می شوند؛ هنرِ هنرمند این شده است که از صحنه های بی بند و باری فیلم بردارد. اگر معنای هنر این است، اسلام با این هنر مخالف است. این ها دام استعمار است برای جلب نیروهای جوان.

دوستان جوان! به برنامه های استعماری کمک نکنید. فضیلت خود را لگدمال نکنید. نیروی اقتصادی خود را از دست ندهید. این ها کارهایی است که وقتی جوانی به این مسایل سرگرم بشود، درباره مسایل دیگر فکر نمی کند. اگر ایمانتان هم ضعیف است، از نظر انسانی بیدار باشید و در این دام ها نیفتید.

یکی از راه های موثّر و موفقیت آمیز استعمار، کوبیدن شخصیت ملت ها و جامعه هاست. استعمار آن جا که می خواهد هنرمند معرفی کند، می داند که حسّ قهرمان گرایی در هر انسانی هست. دختران و پسران در پی الگو هستند تا ببینند قهرمان کیست. برای بهترین فیلم جایزه تعیین می کنند. از هنرمندان این فیلم ها در همه حالات عکس می گیرند. چند مسابقه برای بهترین کتاب دارید؟ این ها کافی نیست تا بیدار شوید؟ استعمار می خواهد حسّ قهرمان گرایی جامعه را به طور کاذب پاسخ دهد. وقتی شخصیت می آید توی لباسی؛ طرز آرایش و... می گویند تو عقب مانده ای، برای آن که لباست،

لباس روز نیست.

متّکی به نفس باشید؛ بیدار باشید. شخصیت را در این مسایل جست وجو نکنید. از این دام های روشن استعمار برهید و سعی کنید به این اسلام عزیز وفادار باشید. به خدا اسلام می تواند به جامعه استقلال بدهد، شهادت یا شهامت بدهد.(۱)

آینده انقلاب

آینده انقلاب

به اعتقاد شهید هاشمی نژاد، آینده انقلاب، آینده درخشانی است. وی شرط پیروزی را در همراهی و همگامی ملّت با مسایل کشور می داند:

ملّت باید در جریان کشور آگاهانه دخالت کند. اگر بتوانیم چنین عمل کنیم، در آینده ای نه چندان دور پیروزی ها و موفقیت های بزرگی خواهیم داشت. اگر انقلاب ما در عمل، سیاست نه شرقی و نه غربی خود را نشان دهد، الگویی برای کشورها و ملّت های مستضعف جهان خواهد شد.(۲)

امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر

شهید هاشمی نژاد به نظارت همگانی مردم به عنوان عامل بازدارنده انقلاب از انحراف ها و کج روی های احتمالی مسئولان معتقد بود. وی عقیده داشت پاسداری از انقلاب، در قالب امر به معروف و نهی از منکر، برعهده همه افراد ملت است:

ملتی که انقلاب را به وجود آورده است، باید از انقلاب پاسداری کند و

۱- یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۵، صص ۵۶۴ _ ۵۶۷ با گزینش و ویرایش.

۲- فریادگر شهر شهادت، ص ۱۲۴.

دولت بایـد امر به معروف و نهی از منکر را در قانون بیاورد و بکوشد فضایی در جامعه ایجاد شود که افراد ملت بتوانند آزادانه این اصل را پیاده کنند؛ یعنی فریاد بزنند و در مقابل منکر ایستادگی کنند.(۱)

گزیده ای از سخنان شهید هاشمی نژاد:

یکی از ویژگی های عظیم انقلاب ما این است که برای رهایی از غرب، به دامن استعمار شرق نیفتادیم.

اگر ملت ما یک گلوله هم داشته باشد، آن را به سینه اسراییل رها می کند.

انقلاب ما اگر سیاست نه شرقی و نه غربی خود را در عمل نشان دهد، الگویی خواهد بود برای ملل مستضعف جهان.

اگر از اسلام و روحانیت قطع شدیم، بدانید که از اسلام قطع شده ایم.

بمب گذاری ها و ترورها، نشانه به بن بست رسیدن دشمن و موفقیت انقلاب است.

ما معتقدیم که قدرت از توده ملت ها برمی خیزد و به همین دلیل؛ هسته اصلی قدرت ما در این انقلاب، مردم هستند.(۲)

۱- پیام انقلاب، ش ۱۴۶، ص ۵۱.

۲- اعتصام، ش ۳۰، صص ۶۱ _ ۶۲.

فصل هشتم: شهادت؛ معراج عاشقان

فصل هشتم: شهادت؛ معراج عاشقان

انتظار شـهادت، مردان مبارز و مصـلحان اجتماعی را از هر گونه سازش و تسـلیم بازمی دارد. شـهادت، در مبارزات اجتماعی و سیاسی، خاموشی و سکوت را بر هم می زند. شهادت پایان زندگی نیست، بلکه آغاز جاودانگی است.

سیـد از امـام خمینی رحمه الله شـنیده بود که: «من به اجل طبیعی از این دنیا می روم، تو به فکر خودت باش»(۱)، از این رو در انتظار نوشـیدن شربت گوارای شهادت بود. هم چنین آیت اللّه واعظ طبسی، شهید مظلوم دکتر بهشتی را در خواب می بیند که وارد صـحن امام رضا علیه السـلام شد و در آن جا نشـست و با آقای هاشـمی نژاد خیلی گرم و خصوصی مشغول صحبت شد. وقتی ایشان می خواهـد با آن دو به عنوان میهمان صـحبت کنـد، ناگاه شـهید بهشتی با حالت فروتنی و چهره بشّاش می گوید: «شما فعلاً تشریف داشته باشید. با شما فعلاً کاری نداریم، بلکه با آقای هاشمی نژاد کمی کار خصوصی داریم».(۲)

۱- گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۵۸.

۲- فریاد فضیلت، ص ۱۲۲.

سرانجام در سال ۱۳۶۰، دشـمنان قسم خورده انقلاب و اسـلام برای جبران شکست های پی در پی خود، با توسّل به منافقین، شهید هاشمی نژاد را هم چون دیگر شخصیت های مبارز انقلاب، ترور کردند. خبرنگار جمهوری اسلامی در تاریخ ۷/۷/۱۳۶۰ درباره چگونگی شهادت آن بزرگوار چنین گزارش داد:

در صبح روز ۷/۷/۱۳۶۰ هم زمان با سالگرد شـهادت امام محمد تقی علیه السـلام هنگامی که حجت الاسلام هاشمی نژاد پس از اتمام کلاس درسی که در محل حزب جمهوری اسـلامی مشهد تشکیل شده بود، قصد خروج از ساختمان حزب را داشتند. شخصـی بـه نـام هـادی علویـان کـه نـارنجکی در دست داشت، به وی نزدیـک می شـود و از پشت ایشـان را در بغـل گرفته و نارنجک را بر شـکم ایشان قرار داده و منفجر می کند که بر اثر آن حجت الاسـلام هاشـمی نژاد همان دم به شهادت می رسد. تروریست نـامبرده که به شـدّت مجروح شـده بود، پس از انتقال به بیمارسـتان به هلاکت می رسـد. هم چنین بر اثر انفجار این نارنجـک، چهـار تن از جمله نگهبـان حزب جمهوری اسـلامی، یکی از کارکنـان بنیـاد مسـکن، یـک پاسـدار و یک تن دیگر مجروح گردیدند.(۱)

بازتـاب این ترور، بسـیار گسترده بود، به گونه ای که از نخستین سـاعت های بامـداد روز ۸/۷/۱۳۶۰، مردم شهیدپرور مشهد با مشت هایی گره کرده سـینه زنان و تکبیرگویان از چهار گوشه شهر به سوی حرم مطهر امام هشتم حرکت کردند تا پیکر پاک شهیـد هاشـمی نژاد را تشـییع کننـد. انبـوه جمعیـت چنـد صـد هزار نفری، در حـالی که پیکر مطهر شـهید هاشـمی نژاد بر روی آمبولانس حمل

۱- یادواره شهید هاشمی نژاد، ص ۲۲.

می شد، فریاد می زدند: «عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، امام هشتم ما صاحب عزاست امروز».

انبوه جمعیت در حال نزدیک شدن به صحن امام رضا علیه السلام ، به نوار سخنان شهید هاشمی نژاد که از بلندگو پخش می شد، گوش می دادند و اشک می ریختند. در ساعت یازده، پیکر پاک شهید هاشمی نژاد به مقابل صحن حرم رسید و مردم برای آخرین بار با شهید مظلوم وداع کردند در حالی که شعار می دادند: «پیکر پاک هاشمی، فریاد یا محمّدا! فرزند پاکت شد شهید یا زهرا یا زهرا.» سپس به امامت امام جمعه مشهد بر پیکر ایشان نماز خواندند و وی را در دارالزهد حرم مطهر در جوار امام رضا علیه السلام به خاک سپردند.

هم چنان که زندگانی آن شهید بزرگوار در بالندگی و رشد جامعه، نقش به سزایی داشت، شهادت او نیز بازتاب گسترده ای در پی آورد. امام امّت رحمه الله ، به مناسبت شهادت ایشان، سخنرانی کرد و مراجع عظام قم و مشهد در اعلامیه های جداگانه ای این توطئه منافقان را محکوم کردند. عالمان و روحانیان بنام و متعهد در شهرستان ها و امت مسلمان ایران در سراسر کشور با فرستادن تلگراف به حسینیه جماران، این مصیبت را به امام امت رحمه الله تبریک و تسلیت گفتند.

فصل نهم: شهید هاشمی نژاد از نگاه شخصیت های انقلاب

فصل نهم: شهید هاشمی نژاد از نگاه شخصیت های انقلاب

امام خمینی رحمه الله در جمع نمایندگان شوراهای اسلامی روستاهای سراسر کشور و گروه های مردمی در نخستین روز شهادت آن شهید فرمود:

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

انّا لِلّه و اِنّا اِلَیْهِ راجِعون

در روز شهادت امام جواد علیه السلام یکی از فرزندان و تبار آن خانواده به شهادت رسید. شهید هاشمی نژاد که من از نزدیک با او آشنا بودم و خصال و تعهّد آن شهید را لمس کرده بودم و مراتب و مجاهدت وی بر آن اشخاص که او را می شناسند، پوشیده نیست.

امروز در روز شهادت سلف صالح، این خلف صالح و متعهد از دست ما گرفته شد و من نمی دانم که انگیزه این شرارت ها که مشغولند این گروهک های ضعیف نادان و عمّال قدرت های بزرگ خصوصا امریکا چه می خواهند و چه انگیزه ای دارند؟

این ها انگیزه این را دارند که ۳۶ میلیون جمعیت ایران و میلیون ها جمعیت مُسْلم و مستضعف جهان که همه پشتیبان این جمهوری هستند، می خواهند با ترور بعضی شخصیت ها، این ها را از این راهی که راه اسلام است، منحرف کنند. این ها نمی فهمند که این توده های عظیم که چون سیل خروشان در تمام کشور در مقابل قدرت های بزرگ ایستاده اند، با ترور اشخاص ولو هر چه بزرگ و ارجمند باشند، به خودشان سستی و فتور راه نمی دهند، بلکه منسجم تر می شوند.

این ها می خواهند با کشتن اولاد پیغمبر و یا به عزا نشستن امام عصر عج الله تعالی فرجه الشریف و مؤمنین، به اسلام ضربه بزنند. اسلام از این شهدا و بالاترین شهید را در راه هدف، تقدیم کرده است. اسلام مثل خود رسول اکرم را و مثل امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه معصومین و علمای بزرگ را در طول تاریخ فدای این راه و هدف نموده [است]. چه باک از این که این فرزندان اسلام را که شهادت برای آن ها افتخار و برای ملت ما افتخارآفرین است، از دست بدهد.

پس این ها اگر هدفشان هدم اسلام است، اسلام با این خون ها زنده می شود و اگر هدفشان این است که جمهوری اسلامی از بین برود، جمهوری اسلامی با این خون ها آبیاری می شود و اگر هدفشان خدمت به امریکا و شوروی و امثال این هاست، جَزا را از آن ها مطالبه کنند و خدای تبارک و تعالی برای آن ها، لعنت و ملت ما، نفرین ابدی را برای آن ها خواستار است.

ما در عین حال که از شهادت یک جوان مرد فاضل عالِم مجاهد متأثّر هستیم، لکن هر یکی از این شخصیت ها از دست ما برود، به اسلام کمک است و به مخالفین اسلام، لعن است و نفرت و دلیل ضعف آن هاست. خدمت می خواهند بکنند به قدرت های بزرگ، آن هم در وقتی که آن ها شکست خورده اند و صدام هم شکست خورده است و به زودی به شکست نهایی منتهی خواهد شد. این ها می خواهند با کشتن یکی از اولادهای رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم نگذارند صدام شکست بخورد. این خیال باطلی است. صدام شکست خورده و شرف و حیثیّت نداشته و اگر داشته از دست داده است.

این ها می خواهند مردم ما را تضعیف کنند. این خیال، خیال خام باطلی است. این ها می خواهند انتقام بکشند از رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم که اولاد او را و اولادهای او را به شهادت می رسانند. انتقام بکشند که رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم هم چو دینی را آورده است که برخلاف خواسته آن هاست و آن ها نمی خواهند که این دین آن طوری که خدا می خواهد و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می خواهد، در این مملکت پیاده شود. این انتقام برای آن ها روسیاهی است و

برای ملت ما به هیچ وجه سستی ایجاد نخواهد کرد. من در ضمن این که به همه ملت ایران و علما و مراجع اسلام و خصوصا اهالی محترم خراسان و علمای بزرگ خراسان تسلیت می گویم، تبریک هم به آن ها می گویم که هم چو افراد متعهّد، عالم، گوینده و مجاهد تقدیم می کنند برای اسلام و برای پیشرفت احکام اسلام.(۱)

دیدگاه حضرت آیت اللّه خامنه ای (مد ظله العالی):

هاشمی نژاد از لحاظ شخصیتی فردی متواضع بود. انسان شجاعی بود. خوش فکر و خوش قریحه بود. زحمت کشیده و درس خوانده بود. بی طمع و بدون چشم داشت به مال و مقام کار می کرد و به کار علاقه داشت. صداقت و اخلاص و وفای او را همه می دانند. او یک شخصیت از همه نظر ممتاز بود.(۲)

دیدگاه آیت اللّه هاشمی رفسنجانی:

هاشمی نژاد عنصر خودساخته ای بود که فوق العاده باارزش بود. من ایشان را از ۳۰ سال پیش [می شناختم]. در اول تحصیلاتمان بود که آشنا شدیم... این شخصیت عظیم در مشهد، پایگاه بزرگی بودند و کم تر کسی در این کشور هست که سخنرانی ها و فداکاری های ایشان را ندیده و نشنیده باشد. بارها زندان رفت؛ بارها تبعید شد؛ بارها گرفتار شد. یکی از استوانه های این مبارزه بود. خدا لعنت کند آن منافقین را که چه جور با چراغ می آیند و گزیده ترین کالاهای ما را می برند. این ها بیش تر از صدام به ما ضربه می زنند.(۳)

دیدگاه آیت اللّه مشکینی:

زبان شهید هاشمی نژاد شمشیر اسلام بود علیه کفر و او نزد امام بسیار عزیز بود.(۴)

۱- صحیفه نور، ج ۹، صص ۷۵ _ ۷۶.

۲- علی ربانی خلخالی، شهدای روحانیت، ج ۱، صص ۵۷۷ _ ۵۷۹.

۳- یادواره شهید هاشمی نژاد، ص ۶۰.

۴- یادواره شهید هاشمی نژاد، ص ۵۹.

دیدگاه آیت اللّه العظمی نوری همدانی:

شهید هاشمی نژاد یک عمر با صحبت و قلم، هدف اسلام را دنبال کرد و آخرین کلام خود را با خون نوشت.(۱)

۱- یادواره شهید هاشمی نژاد، ص ۶۲.

ص:۶۲

بخش دوم: برگزیده ادب فارسی

اشاره

بخش دوم: برگزیده ادب فارسی

زیر فصل ها

متن های ادبی

اشعار

متن های ادبی

متن های ادبی

بیست و یک سال از خاموشی شمعی می گذرد که خود سوخت تا جامعه را روشنی بخشد؛ شهیدی که زبانش شمشیر مالک اشتر بود و بانگ رسایش، جان های عاشق پیشه را در چشم بر هم زدنی آماده شهادت می ساخت. امروز سالگرد انسان آزاده ای است که قلبش گنجینه دردها بود. عزیزی که لحظه ها را جهت اعتلای فرهنگ پربار اسلام غنیمت می شمرد. او سخنوری پرشور و هنرمند بود. آن گاه که زمان در چرخه اختناق اسیر بود و مرگ عزت و آزادگی، حجره های بی آلایش شب ستیزان را سیه پوش کرده بود، آن گاه که بر دست و پای انسان، زنجیرهای جور و جهل زده بودند؛ آن گاه که سراب های دژخیمان ساواک، سست ایمانان را منفعل کرده بود؛ آن گاه که جغدان شوم طاغوت، خانه های اندیشه را ویران می کردند و نغمه هراس انگیز می سرودند؛ شهید هاشمی نژاد، نبض حادثه زمان خویش گردید و پایان شب را نوید داد.

او برای تحقّق اسلام ناب خروشید و در کالبد جامعه، خون زندگی تزریق کرد. با هر منبر و سخنرانی خود، شاخه های درخت جهل را شکست و پرچم ایمان را بر اوج قلّه تاریخ نشاند. او با درک اصالت الهی انسان و با احساس مسئولیتِ «جانشین خدا بودن» بشر، هرگز در برابر جاذبه ها و جنایت های نظام ستمشاهی انعطاف نشان نداد و تا آخرین نفس مبارزه کرد.

او که مشعل شریعت به دست داشت، از سفیران سحر و مصلحان نستوه تاریخ بود. او که شهید راه فضیلت بود، به جاذبه های شیرین زندگی دنیایی،

گرفتار نشد و با دیدی بلند، آن را گذرگاهی کوتاه و فریبنده می دانست که بسیار گذر کنندگان غافل، در چاه دل بستگی به آن فرو رفته و هلاک شده اند.

او روشنی چشم امام خمینی رحمه الله بود؛ کسی که امام او را جوان مرد فاضل نامید. او که عقل و عشق را به هم آمیخته بود، سرانجام در بامدادی جانکاه، زندگانی جاودانی یافت. او عمری فریاد برآورد: فریاد اطاعت، فریاد ولایت، فریاد مقاومت، فریاد دیانت، فریاد عدالت و با رفتنش نیز فریاد برآورد: فریاد خون!

او جوان مردی فاضل و شهیدی والامقام بود که مظهر خوبی ها، قهرمان صحنه ها و جلوه فریادها بود و ایمان و عشق به ارزش ها در وجودش تجسّم داشت.(۱)

او گلی بود که در بوستان محبّت پرورش یافت و فضای زندگی مسلمانان را عطرآگین ساخت. او معلم وارسته ای بود که با سینه ای توفانی، خشم خروشان مردم را در مسیر اسلام هدایت می کرد. او عارفی بود که در ظلمت شب، پیشانی بندگی و اطاعت بر آستانه جلال حق می سایید و با نوای دل نشین «العفو»، سکوت شب را می شکست.

۱- شیخ محمد شریف رازی، گنجینه دانشمندان.

اشعار

اشاره

اشعار

زیر فصل ها

در حریم ولایت

یاد یار

در رثای شهید

آیت حق

در حریم ولایت

در حریم ولایت

آن کس که در حریم ولایت قدم نهاد

خوش می رسد به وصل جنان هاشمی نژاد

پیوسته دردِ دین خدا را به جان خرید

بوده است رنج و محنت وی رو به ازدیاد

یاران انقلاب به همّت ز جان و دل

کردند در میان همه جلب اعتماد

رحمت کند خدای، شهیدانِ رفته را

چون هاشمی نژاد و شهیدان زنده یاد

ارزان به کف نیامده، راحت نباشد

دیوار دین که حالیه محکم تر ایستاد

آری، هر آن که دین خدا را طلب کند

باید برای دین خدا جان به کف نهاد

شاعر از این شهید ز کف داده غم مخور

هرگز نهال دین خدا بی ثمر مباد(۱)

ذبیح اللّه اسعدی

۱- فریادگر شهر شهادت، ص ۴۳۹.

یاد یار

یاد یار

الا یا ایها السّاقی، مده دیگر می و ساغر

کنون رفته ز دست ما یکی از بهترین گوهر

خزان گشته بهار ما، ز کف رفته قرار ما

ببین حال نگار ما، رسیده ماتمی دیگر

به دست خاینی کافر، شکسته شاخه ای دیگر

گلی از گلشن حیدر در این صحن چمن پر پر

جوان مردی که در تقوا، عزیز خالق یکتا

به منبر گفته بی پروا، نظیر حیدر صفدر

گهی زندان، گهی پنهان، گهی در صحنه میدان

عزیز ملت ایران، گل پژمرده رهبر

دریغ و درد زین حاصل که از مهرش همه غافل

کنون با جمع اهل دل، شده مهمان پیغمبر

به سال شصت از این دنیا، روان شد جانب عقبا

که شد محشور با مولا علی آن ساقی کوثر(۱)

قدوسی

۱- فریادگر شهر شهادت، ص ۳۵۱.

در رثای شهید

در رثای شهید

دردا که رفت از بر ما هاشمی نژاد

یادش به خیر در همه جا هاشمی نژاد

در خط سرخ مکتب اسلام راستین

بود از تبار آل عبا هاشمی نژاد

ساواکیان ز تیغِ زبانش در التهاب

از بس که داشت شور و صفا هاشمی نژاد

چندی به جرم گفتن حق در شکنجه گاه

می شد شکنجه بهر خدا هاشمی نژاد

بهر بقای مکتب و ترویج انقلاب

بودی همیشه حامی ما هاشمی نژاد

تا ضد خلق را کند از خلق او جدا

هرگز نشد ز خلق جدا هاشمی نژاد

گاهی به پشت میز خطابه، حماسه ساز

بودی به صحنه، راه گشا هاشمی نژاد

با پیروی ز خط امام زمان خویش

هرگز نرفت راه خطا هاشمی نژاد

با نطق های جالب و افشاگرانه اش

کرد به عهد خویش وفا هاشمی نژاد

در راه حفظ وحدت و نابودی نفاق

کوشید تا فتاد ز پا هاشمی نژاد

در خون تپید از ستم ضد خلق پَست

رفت از فنا به سوی بقا هاشمی نژاد

جان داد و تن نداد به ذلت که نام او

باقی است تا به روز جزا هاشمی نژاد

با مرگ سرخ خویش به دین عاشقانه کرد

مردانه دِین خویش ادا هاشمی نژاد

حقا که با شهادت خونین خویشتن

شد ره گشای نهضت ما هاشمی نژاد(۱)

آیت حق

آیت حق

ای طایری که از قفس تن پریده ای

ای عاشقی که شهد شهادت چشیده ای

ای عالمی که باب حقایق گشوده ای

ای عارفی که جلوه جانانه دیده ای

از تنگنای خاک سیدی به کام دل

در خلوت وصال، خوش آرمیده ای

چون تندر بهار، بودی همه خروش

۱- فریادگر شهر شهادت، ص ۳۴۷.

فریاد می زدی بر خفته خموش

ای مظهر شرف، ای آیت جهاد

ای فاطمی نسب، ای هاشمی نژاد

تیری که خست قلبِ ستم، خامه تو بود

نوری که گشت مشعل ره، نامه تو بود

از رزم خصم پا نکشیدی اگر چو یَل

چاک از جفای خار ستم، جامه تو بود

کوبنده هم چو بحر به هر جا و هر کران

برپا ز شور عشق همه خانه تو بود

ای پرهنر، خطیب، ای سید جلیل

ای خصم کفر و شرک، ای زاده علی

ای مظهر شرف، ای آیت جهاد

ای فاطمی نسب، ای هاشمی نژاد(۱)

۱- فریادگر شهر شهادت، ص ۳۴۵.

بخش سوم: همراه با برنامه سازان

اشاره

بخش سوم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

پیشنهادهای کلی

اشاره

پیشنهادهای کلی

آشـنایی با شـیوه زندگی مردان بزرگ، انسان را در پیمودن راه حقیقت و فضیلت، علاقه مند و مصمّم می سازد. شهید هاشمی نژاد از چهره هـای درخشـانی بـود که زنـدگی گران مـایه خود را در راه زنـده کردن ارزش هـای اصـیل اسـلامی سـپری کرد. ویژگی های شخصـیّتی ایشان می تواند همانند مشعلی فروزان، فرا راه زندگی انسان ها، به ویژه قشر جوان جامعه باشد و آن ها را به سوی هدف های متعالی رهنمون گردد. از این رو، شایسته است این ویژگی ها مورد توجه برنامه سازان محترم قرار گیرد. برخی از این ویژگی ها به قرار زیراست:

الف) توجه ویژه به نسل جوان

جوانان، سـرمایه های ارزشـمند کشور و در عین حال یکی از قشـرهای آسـیب پـذیر هسـتند که همواره در نوک پیکان تهاجم دشـمنان دینی و ملّی ما قرار دارنـد. شـهید هاشـمی نژاد از کسانی بود که در جلوگیری از به یغما رفتن این سـرمایه عظیم، گام های مؤثری برداشت و بیش تر عمر خود را در رهبری فکری نسل جوان گذرانـد. از این رو، در برهه حسّاس کنونی که کشور از هر سو با تهاجم فرهنگی بیگانگان روبه رو گشـته، شایسته است برنامه سازان محترم در برنامه های رسانه ملّی، با بهره گیری از اندیشه های شهید هاشمی نژاد، رمز موفقیت او را در رهبری فکری نسل جوان گوشزد کنند.

هم چنین به متولیان امور فرهنگی کشور هشدار بدهند که فراموش کردن جوانان و پرداختن به مسایل جناحی و سیاسی، ضربه جبران ناپذیری به انقلاب وارد می سازد. در این صورت، انقلاب بزرگ ترین پشتوانه خود؛ یعنی جوانان را از دست می دهد.

ب) زهد و ساده زیستی

زهد و ساده زیستی از ویژگی های برجسته شهید هاشمی نژاد بود. این شیوه، از عشق به امامان معصوم علیهم السلام و پیروی از سیره آنان و عالمان وارسته سرچشمه می گیرد. ایشان از هنگام ورود به حوزه تا آن گاه که یکی از کارگزاران بالای نظام بود، همواره ساده و بی آلایش می زیست.

ج) ارتباط صمیمی با توده های مردم

شهید هاشمی نژاد همواره با توده های مردم به ویژه محرومان جامعه همراه بود. ایشان این قشر را طلایه داران و صاحبان اصلی انقلاب و کشور می دانست و با احساس مسئولیت نسبت به آنان، خود را در برابر ایشان پاسخ گو می دانست. بی شک، یکی از اشکال های کارگزاران نظام، قطع ارتباط با مردم است که شایسته است این اصل مورد توجه مسئولان و متولّیان امر قرار گیرد و در رفع آن بکوشند.

پیشنهادهای برنامه ای

پیشنهادهای برنامه ای

۱. گفت وگو با خانواده و فرزندان شهید برای آشنایی بیش تر با اخلاق و رفتار آن شهید بزرگوار.

۲. تشکیل میزگرد با حضور استادان حوزه و دانشگاه درباره نقد و ارزیابی کتاب های ارزشمند شهید همانند: مناظره دکتر وپیر، مشکلات مذهبی روز و... .

۳. گفت و گو با آشنایان و هم رزمان شهید در دوران پیش از انقلاب و بازگویی خاطره هایی از آن شهید.

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مسابقه ای

۱. شهید هاشمی نژاد در چه تاریخی به دنیا آمد؟ ۱۳۱۱ ه . ش

۲. زادگاه شهید هاشمی نژاد کجاست؟ شهرستان بهشهر

۳. دو تن از استادان شهید هاشمی نژاد را نام ببرید؟ آیت اللّه کوهستانی و امام خمینی رحمه الله

۴. معروف ترین کتاب شهید هاشمی نژاد چیست؟ مناظره دکتر وپیر

۵. شهید هاشمی نژاد در کدام کتابش، قیام خونین امام حسین علیه السلام را بررسی کرده است؟ درسی که حسین علیه السلام به انسان ها آموخت

۶. شهیدهاشمی نژاد، مهم ترین عامل ضعف و انحطاط جامعه را چه می دانست؟ ضعف ایمان

۷. دو تن از هم رزمان شهید هاشمی نژاد را نام ببرید؟ حضرت آیت اللّه خامنه ای(مدظله العالی) و آیت اللّه واعظ طبسی

۸. شهید هاشمی نژاد در چه تاریخی به شهادت رسید؟ ۷/۷/۶۰

۹. آرامگاه شهید هاشمی نژاد در کجا قرار دارد؟ دارالزهد حرم مطهر امام رضا علیه السلام

۱۰. شهید هاشمی نژاد به دست کدام گروهک به شهادت رسید؟ منافقین

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱. درباره شهید هاشمی نژاد چه می دانید؟

۲. شهید هاشمی نژاد به دست چه کسانی به شهادت رسید؟

۳. کتاب های شهید هاشمی نژاد را نام ببرید؟

۴. موضوع کتاب مناظره دکتر وپیر چیست؟

۵. کدام یک از ویژگی های شهید هاشمی نژاد قابل توجه بود؟

۶. چرا منافقان شخصیت های انقلابی را ترور می کردند؟

۷. وظیفه ما در برابر خون شهیدان چیست؟

۸. آرامگاه شهید هاشمی نژاد کجاست؟

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. خاطره های خود را از زندگی و مبارزات شهید هاشمی نژاد بیان کنید.

۲. درباره ویژگی های اخلاقی شهید هاشمی نژاد توضیح دهید.

۳. دیدگاه شهید هاشمی نژاد درباره جوانان چه بود.

۴. شهید هاشمی نژاد در افشای ماهیت گروهک های التقاطی و لیبرال ها چه فعالیتی داشت؟

۵. آن شهید بزرگوار در پیروزی انقلاب اسلامی چه نقشی داشت؟

۶. درباره نقش شهید هاشمی نژاد در قیام ۱۵ خرداد ۴۲ توضیح دهید.

۷. دیدگاه شهید هاشمی نژاد درباره ولایت فقیه و حکومت اسلامی تبیین کنید.

۸. هدف از ترور شهید هاشمی نژاد چه بود و شهادت ایشان در جامعه چه بازتابی داشت؟

۹. شهید هاشمی نژاد در تحولات حوزه علمیه مشهد چه نقشی داشت؟

کتاب نامه

۱ ــ ابراهیم زاده، حسن و عابدی، محمد. پیکار با منکر، انتشارات معروف، قم.

۲ ــ بذر افشان، مرتضی. شهید هاشمی نژاد؛ فریاد فضیلت، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

۳ ــ پژوهشکده باقرالعلوم. گلشن ابرار، گردآوری: گروهی از پژوهشگران قم، حوزه علمیه، نشر معروف.

۴ ــ ربانی خلخالی، علی. شهدای روحانیت در یکصد سال اخیر، چاپ اول، ۱۴۰۳ ه . ق .

۵ ــ ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، پیکار با منکر (سیره ابرار)، بی نا، بی تا.

۶ ــ شریف رازی، شیخ محمد. گنجینه دانشمندان، اسلامیه، ۱۳۵۲.

۷ ــ شفیعی دارابی، سیدحسین. یادواره شهید هاشمی نژاد.

۸ ــ صحیفه نور، انتشارات شرکت سهامی چاپ خانه وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۱.

۹ ــ مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. شهید هاشمی نژاد (یاران امام به روایت اسناد ساواک).

۱۰ ــ مرکز فرهنگی تربیتی نور ولایت. روزها و رویدادها.

۱۱ ــ هاشمی نژاد، سید احمد. فریادگر شهر شهادت.

۱۲ ــ هاشمی نژاد، سید عبدالکریم. رهبران راستین، انتشارات طوس، تهران، ۱۳۵۴.

۱۳ _ هاشمی نژاد، سید عبدالکریم. مناظره دکتر وپیر، انتشارات شهید هاشمی نژاد، مشهد، ۱۳۷۲.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹